

تبیین مراحل و عوامل زمینه‌ساز بحران ژئوپلیتیکی کردستان عراق بر مبنای مدل مایکل برچر

محسن بیوک* - دکتری تخصصی جغرافیای سیاسی، استادیار دانشگاه خاتم‌الانبیای ارتش
محمد اکرمی‌نیا - دکتری تخصصی مدیریت استراتژیک، استادیار دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش

تأیید نهایی: ۱۳۹۷/۱۰/۰۹

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۳/۰۶

چکیده

بحران ژئوپلیتیکی کردستان عراق با اعلام همه‌پرسی استقلال در سوم مهر ۱۳۹۶ شکل گرفته است. مدل ژئوپلیتیکی مایکل برچر درباره مراحل و عوامل زمینه‌ساز بحران‌های ژئوپلیتیکی است و در این مقاله مراحل و عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری بحران کردستان عراق براساس مدل یادشده بررسی و واکاوی شده است. بنابراین، هدف از این مقاله شناخت و تبیین مراحل و عوامل شکل‌گیری بحران کردستان عراق براساس مدل مایکل برچر است. فرضیه تحقیق این است که مراحل بحران عبارت‌اند از: پیدایش، گسترش، کاهش. و تأثیرات بحران و عوامل زمینه‌سازی بحران عبارت‌اند از: جغرافیا، وضعیت منازعه، عمر بازیگر بحران، نظام سیاسی، سطح نظام بین‌الملل، قطب‌بندی، و مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای. پژوهش از نوع نظری است و با استفاده از روش توصیفی انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها اسناد و مدارک است و داده‌های گردآوری شده به روش تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مراحل شکل‌گیری بحران کردستان عراق عبارت‌اند از: سقوط صدام و شکل‌گیری حکومت فدرال در کردستان؛ حمله داعش به سوریه و عراق و تقویت ناسیونالیسم کردی و استقلال‌طلبی؛ تسلط پیش‌مرگه‌ها بر مناطقی از کرکوک، نینوا، و دیالی؛ حمله ارتش عراق و نیروهای حشدالشعبی به کرکوک و عقب‌نشینی نیروهای پیش‌مرگه از کرکوک. عوامل زمینه‌ساز بحران عبارت‌اند از: برجستگی جغرافیایی - راهبردی منطقه کردستان به‌ویژه منطقه کرکوک؛ تقارن منافع ایران و ترکیه در سطح بالا و مخالفت بسیار شدید و همراه با تهدید این دو کشور با همه‌پرسی و همراهی نکردن ایالات متحده و اتحادیه اروپا با همه‌پرسی.

کلیدواژه‌ها: بحران، ژئوپلیتیک، کردستان، عراق، مدل مایکل برچر.

مقدمه

جنوب غرب آسیا دارای قومیت‌ها و مذاهب متعدد همراه منابع انرژی فراوان است و ریشه بسیاری از کشمکش‌ها در آن به کنترل، مالکیت، یا نظارت بر سرزمین، منابع، یا مردم آن بازمی‌گردد؛ به گونه‌ای که رابطه‌ای پیچیده بین سیاست، قومیت، و سرزمین را پدید می‌آورد. سرزمین به‌عنوان یک واقعیت جغرافیایی، قومیت به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی-فرهنگی، و سیاست نقش مهمی در شکل‌گیری و تعیین سرنوشت کشمکش‌های سرزمینی و قلمروخواهی در کردستان عراق داشته است (بدیعی ازندهای و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۵۳).

کردستان به فضای جغرافیایی مرتفع در غرب آسیا گفته می‌شود که از نظر اکولوژیک زیستگاه و موطن کردهاست و بین پنج دولت-ایران، ترکیه، سوریه، عراق، و ارمنستان- و بین چهار سازه تمدنی و فرهنگی (پارسی، ترکی، عربی، و ارمنی) و بین چهار فلات-ایران، عربستان، آناتولی، و قفقاز- و در مسیر یک گذرگاه میان قاره‌های آسیا، اروپا، و افریقا قرار گرفته است.

اقلیم کردستان عراق ۷۴۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و حدود شش میلیون نفر جمعیت دارد که شامل استان‌های دهوک، اربیل، سلیمانیه، و برخی از بخش‌های استان نینوا، تمیم، و دیاله است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۶).

مسئله اکراد در جامعه سیاسی عراق با روندهای متفاوتی همراه بوده؛ به طوری که تاریخ سیاسی عراق روندهایی نظیر درگیری اکراد با حکومت عراق و سرکوب شدن از طرف دولت مرکزی تا جنگ داخلی، دخالت‌های سازمان ملل، و خودمختاری مناطق کردنشین را ثبت کرده است. منازعات خشونت‌آمیز کردها با دولت مرکزی از رویدادهای مهم عراق از ابتدای استقلال آن کشور است؛ به نحوی که تاریخ سیاسی هشتادوپنج‌ساله عراق نشان می‌دهد کردها یا در حال مذاکره یا جنگ با دولت مرکزی برای کسب خودمختاری و استقلال بوده‌اند. پس از حمله عراق به کویت و وضع ممنوعیت پرواز عراق به بالای خط ۳۶ درجه در سال ۱۹۹۱، کردهای عراق توانستند حکومت خودگردان خود را تأسیس کنند. آن‌ها با حل اختلاف‌های خود و قیام علیه رژیم حزب بعث عراق، حکومت این منطقه را به‌عهده گرفتند. پس از کمک ترکیه به امریکا برای سرنگونی رژیم بعث عراق و همکاری کردها با آن‌ها، حزب دموکراتیک کردستان و اتحادیه میهنی کردستان حکومت اقلیم کردستان در عراق را تشکیل دادند (کولایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹).

اگرچه شرایط داخلی عراق و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی اجازه استقلال از جغرافیای عراق را به جریان‌های کردی نداده، کردستان عراق، به دلیل وزن بالای ژئوپلیتیکی، اهمی قومی برای تغییر روندهای سیاسی و برهم‌زدن موازنه قوا در عراق و ایجاد بحران ژئوپلیتیکی در منطقه جنوب غرب آسیا بوده است. دولت محلی کردستان بر آن است که نظام سیاسی عراق ناکارآمد است. توانایی حکومت عراق برای ممانعت از جدایی کردستان محدود است، زیرا بغداد با چالش‌هایی نظیر تضعیف ارتش، بحران‌های مالی، تنش‌های فرقه‌ای، اختلاف‌های سیاسی، اقتصاد فلج، و به‌طور کلی با خستگی شدید ناشی از یک دهه جنگ مواجه است. دولت محلی کردستان نیز این شرایط را فرصتی مناسب برای برگزاری همه‌پرسی استقلال در نظر گرفته است. یکی دیگر از دلایلی که برای برگزاری همه‌پرسی استقلال در زمان کنونی مطرح است این است که دولت منطقه کردستان نگران است دولت مرکزی بغداد با پشت سر گذاشتن چالش دشوار داعش در دوره پس‌داعش به دولتی مقتدر و قوی تبدیل شود. بدون تردید، برگزاری همه‌پرسی در شرایطی که دولت مرکزی بغداد ضعیف و به نوعی ورشکسته است، از شرایطی که دولتی مقتدر و قوی در عراق روی کار باشد، آسان‌تر خواهد بود. از این‌رو، موضوع همه‌پرسی استقلال کردستان در شرایط زمانی کنونی مطرح شده است (عمادی، ۱۳۹۶).

با توافق احزاب سیاسی اقلیم کردستان برای برگزاری همه‌پرسی درباره استقلال در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ و مخالفت شدید دولت مرکزی عراق و واکنش شدید همراه تهدید نظامی قدرت‌های منطقه‌ای و همچنین مخالفت قدرت‌های

فرمانطقه‌ای، امنیت و ثبات این منطقه آشوب‌زده مجدداً تهدید شد و به شکل بحران ژئوپلیتیکی جدیدی پدیدار شد. با وجود مخالفت کشورهای منطقه، اقلیم کردستان عراق در سوم مهر ۱۳۹۶ همه‌پرسی استقلال را برگزار کرد. به‌طور کلی، استقلال کردستان عراق، که از دهه‌ها قبل از سوی کردها دنبال شده، امروزه به بحرانی تبدیل شده است، زیرا این موضوع تأثیرات زیادی در تحولات منطقه داشته و پیامدهای زیادی به دنبال خواهد داشت. بحران ژئوپلیتیکی ایجاد شده بر اثر اعلام همه‌پرسی برای جدایی کردستان عراق از دولت مرکزی از پیچیدگی‌های زیادی برخوردار است. این بحران با استفاده از نظریه‌های مختلف قابل بررسی و تحلیل است. یکی از نظریه‌های مهم در ژئوپلیتیک نظریه برچر است. مسئله اصلی این مقاله مشخص‌نبودن مراحل و عوامل زمینه‌ساز بحران ژئوپلیتیکی کردستان عراق براساس مدل برچر است. هدف از ارائه این مقاله، ضمن تمرکز بر بحران کردستان عراق، شناسایی و تبیین مراحل و عوامل شکل‌گیری و زمینه‌ساز این بحران براساس مدل مایکل برچر است.

مبانی نظری

بحران ژئوپلیتیکی

بحران ژئوپلیتیکی عبارت است از منازعه و کشمکش کشورها و گروه‌های متشکل سیاسی - فضایی و بازیگران سیاسی بر سر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی. بحران‌ها سرچشمه‌ها و انواع مختلف دارند و از لحاظ کارکردی موجب خروج سیستم از حالت تعادل و بروز اختلال در وضعیت عادی و فرایندهای فضای جغرافیایی و زیستگاه انسان‌ها می‌شوند. بحران ژئوپلیتیکی دارای ویژگی‌های زیر است (هاگت، ۱۳۷۵: ۳۷۲):

موضوع و عامل بحران، کنترل، مداخله، و تصرف یک یا چند ارزش جغرافیایی اعم از طبیعی و انسانی است؛

از پایداری و تداوم نسبی برخوردار است و به‌سادگی حل‌شدنی نیست؛

بحران ژئوپلیتیکی دیرپا ولی بحران سیاسی زودگذر و حل‌شدنی است؛

در بحران ژئوپلیتیکی الگوی مداخله‌ای چندسطحی شکل می‌گیرد که شامل سطح محلی، سطح منطقه‌ای، سطح فرمانطقه‌ای، سطح جهانی و کروی، سطح سازه‌ای سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی می‌شود (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

عوامل یادشده (بحران) عبارت‌اند از: مسیر ترانزیتی کشور محصور در خشکی، تغییر خط مستقیم آب در مرز، تغییر مسیر رودخانه مرزی، خط منصف دریاچه مرزی، کنترل سرچشمه رودخانه، گروه اقلیت خارج از کشور، گروه اقلیت مستقر در مرز مشترک، کوچ‌نشینان، جدایی‌طلبی اقلیت‌های داخلی، ذخایر و مکان دارای کارکرد بین‌المللی، پتانسیل تهدید در حاشیه ماورای مرز نظیر مجاورت پایتخت با مرز مشترک، منابع معدنی اعم از راهبردی و انرژی، و باروری مصنوعی ابرها (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۱۲۷).

بحران ژئوپلیتیکی از پایداری و تداوم نسبی برخوردار است و به‌سادگی قابل حل و برطرف‌شدن نیست، زیرا موضوع بحران و کشمکش ارزش‌هایی جغرافیایی است که در زمره منافع ملی و جمعی محسوب می‌شوند. به عبارتی، آحاد ملت یا گروه متشکل انسانی از آن‌ها درک منفعت جمعی و ملی دارند. بنابراین، قابل چشم‌پوشی نیستند و مصالحه درباره آن‌ها به‌سختی انجام می‌گیرد. حکومت‌ها نیز در مذاکرات دو یا چندجانبه خود با دشواری روبه‌رو هستند و نگرانی دارند که اگر در چارچوب کسب رضایت ملی بحران را حل و فصل نکنند، به خیانت یا بی‌کفایتی متهم شوند و مشروعیت و مقبولیت خود را در میان ملت خود از دست بدهند و از قدرت سیاسی ساقط شوند. به همین دلیل، حکومت و دولت‌ها جریان مذاکره را به‌تعویق می‌اندازند تا فرصت مناسب برای حل آن به نحوی که متضمن تأمین منافع ملی باشد فراهم آید یا در صورت ضرورت ترک قدرت سیاسی آن را به عهده دولت بعدی بگذارند و به عبارتی توپ را به میدان رقیب سیاسی خود

اندازند. بحران‌های ژئوپلیتیکی دیرپا عبارت‌اند از: کشمکش‌های مرزی و تعیین خطوط مرزی؛ بحران‌های فضایی - قومی نظیر کردستان، کشمیر، باسک و ایرلند؛ بحران‌های مکان‌های مذهبی نظیر مسجد ببری، بیت‌المقدس؛ بحران‌های ذخایر زیرزمینی مشترک؛ بحران جزایر (هاگت، ۱۳۷۵: ۳۸۵).

تئوری بحران برچر

براساس تئوری مایکل برچر، یک بحران بر مبنای شناسایی چهار مرحله استوار است: پیدایش، گسترش، کاهش، و تأثیر. تشریح و ارائه یافته‌ها در این پارچوب ناظر بر این است که چگونه هر مرحله حوزه و مرحله بعدی را شکل خواهد داد. فرایند بحران با جرقه یک اقدام، حادثه، یا تغییر محیطی آغاز می‌شود و دیگر شرایط آن را به سطح شدیدتر گسترش می‌دهند. مرحله گسترش تا صورت‌بندی دیگری در میان بازیگران ادامه می‌یابد و پس از آن مرحله فروکاهش آغاز می‌شود و خاتمه بحران را رقم می‌زند. آن‌گاه گرچه یک بحران بین‌المللی مهار شده، اثر آن بر طرف‌های متخاصم برجای می‌ماند که نشانه‌ای از مرحله تأثیر است (برچر، ۱۳۸۲: ۲۷). از نظر برچر، عوامل زمینه‌ساز و تشدیدکننده بحران یا متغیرهای سازنده را می‌توان در هفت مورد برشمرد. این عوامل در واقع شرایطی هستند که وقوع مراحل پیدایش، گسترش، کاهش، و تأثیر بحران را متحمل‌تر می‌سازند. عوامل مذکور عبارت‌اند از: جغرافیا؛ وضعیت منازعه؛ عمر بازیگر بحران؛ نظام سیاسی؛ مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛ سطح نظام بین‌الملل؛ و قطب‌بندی.

روش پژوهش

این تحقیق از نوع نظری است و با استفاده از روش توصیفی انجام شده است. داده‌های تحقیق به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار اسناد و مدارک دست اول، اعم از منابع مهم و معتبر داخلی و خارجی، گردآوری شده و با روش تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل شده است. بنیاد پژوهش کنونی بر این پایه قرار گرفته که مراحل شکل‌گیری و عوامل زمینه‌ساز بحران ژئوپلیتیکی کردستان عراق براساس مدل مایکل برچر چگونه است؟ فرضیه پژوهش بیانگر این است که مراحل شکل‌گیری بحران ژئوپلیتیکی کردستان عراق براساس مدل مایکل برچر عبارت‌اند از: سقوط صدام و شکل‌گیری حکومت فدرال در کردستان؛ حمله داعش به سوریه و عراق و تقویت ناسیونالیسم کردی و استقلال‌طلبی؛ تسلط پیش‌مرگ‌ها بر مناطقی از کرکوک، نینوا، و دیالی؛ حمله ارتش عراق و نیروهای حشدالشعبی به کرکوک و عقب‌نشینی نیروهای پیش‌مرگ از کرکوک. عوامل زمینه‌ساز در بحران کردستان عبارت است از: برجستگی جغرافیایی - راهبردی منطقه کردستان به‌ویژه منطقه کرکوک؛ تقارن منافع ایران و ترکیه در سطح بالا و مخالفت بسیار شدید و همراه با تهدید این دو کشور با همه‌پرسی و همراهی نکردن ایالات متحده و اتحادیه اروپا با همه‌پرسی.

یافته‌های پژوهش

تبیین مراحل بحران اقلیم کردستان بر مبنای مدل مایکل برچر

پیدایش یا دوره ماقبل بحران

مرحله پیدایش آغاز یک بحران بین‌المللی است که با دوره ماقبل بحران از یک بحران سیاست خارجی همراه می‌شود. در این مرحله، موضوع عدم تهدید یا تهدید اندکی که ارزش‌ها را هدف گرفته احساس می‌شود. این مرحله منتسب بر هیچ‌گونه کنش خصومت‌آمیز متقابل یا دریافت تهدید نیست، زیرا در سیستم جهانی مملو از خودمختاری‌های پراکنده و توزیع ناهمگون قدرت و منابع وجود منازعه و فشار امری است فراگیر (برچر، ۱۹۹۳: ۲۵).

قدیمی‌ترین زمینه پیدایش بحران اقلیم کردستان در نتیجه شکست شاه‌اسماعیل در جنگ چالدران با سلطان سلیم عثمانی در سال ۱۸۸۰ است که نیمی از مناطق کردنشین ایران به امپراتوری عثمانی ضمیمه شد (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

درواقع، این اولین تقسیم مناطق کردنشین بود. پس از شکست و فروپاشی امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول، روشنفکران کرد با توجه به «اصل ویلسون» (ماده ۱۲) تقاضا کردند مناطق کردنشین عثمانی خودمختار شود. این مورد در بخش سوم «پیمان سور» (مواد ۶۲ و ۶۳) در اوت ۱۹۲۰ بین متفقین و دولت ترکیه به امضا رسید و قرار شد به مناطق کردنشین خودمختاری داخلی داده شود و دولت ترکیه نیز آن را پذیرفت. اما در «عهدنامه لوزان»، در ۱۹۲۳، از خودمختاری کردها سخنی به میان نیامد. سپس، بریتانیا به منظور در اختیار گرفتن حوزه‌های نفتی «موصل»، این ولایت را از ترکیه منتزع و به عراق منضم کرد که در آن زمان تحت قیمومیت بریتانیا بود (شریف و همکاران، ۱۳۷۹: ۳۸).

پس از جنگ جهانی دوم و در مراحل اولیه جنبش کردها و مهاجرت گروهی آنان به شوروی، خواسته‌ی روشنی درباره‌ی کرکوک و موصل مطرح نشد. اما پس از پیروزی کمونیست‌ها و بازگشت ملامصطفی بارزانی به عراق، مسئله‌ی کرکوک وارد مناقشات شد؛ به گونه‌ای که یکی از دلایل اصلی اجرایی‌نشدن توافق‌نامه‌ی ۱۹۷۱ میان بارزانی و بعثی‌ها اصرار بارزانی بر الحاق کرکوک به اقلیم کردستان بود که با مخالفت بغداد روبه‌رو شد. این روند در دهه‌ی ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ جنبه‌ی منطقه‌ای و در دهه‌ی ۱۹۹۰ (با شکست عراق در جنگ کویت) و آغاز هزاره‌ی جدید تقریباً جنبه‌ی بین‌المللی یافت. با ایجاد منطقه‌ی امن در شمال مدار ۳۶ درجه، کردها ادعای حاکمیت بر کرکوک را با پشتوانه‌ی بیشتری مطرح کردند و به صورت پدیده‌ی ژئوپلیتیک فعال در منطقه و جهان ظاهر شدند و نوعی حکومت خودگردان کرد را در شمال عراق شکل دادند (استنسفیلد، ۱۳۸۲).

حمله‌ی آمریکا و متحدانش به عراق در مارس ۲۰۰۳، که به سقوط صدام و تحول سیاسی در عراق منجر شد، موقعیت کردها را نه تنها در شمال عراق، بلکه در سطح دولت ملی بهبود بخشید و آن‌ها توانستند پست ریاست جمهوری و وزارتخانه‌های عمده‌ی دولت را به دست گیرند و بر فرایندهای سیاسی و شکل‌گیری نظام سیاسی جدید عراق تأثیر بگذارند. کردستان عراق نیز در قالب ایالت فدرال و آن هم با اختیارات گسترده و رسمی به حیات خود ادامه داد و اصول ۱ و ۴ و ۱۱۳ قانون اساسی عراق اختیارات قانونی لازم را به حکومت منطقه‌ای کردستان اعطا کرد.

ظهور حکومت اقلیم کردستان در شمال عراق و مبارزات مسلحانه‌ی پ.ک.ک با ترکیه از یک سو و جنگ داخلی سوریه و عقب‌نشینی استراتژیک بشار اسد از مناطق کردنشین شمال سوریه در سال ۲۰۱۲ و تقویت حزب پ.ی.د از سوی دیگر باعث افزایش ناسیونالیسم کردی در منطقه شد. پس از حمله‌ی داعش به موصل و پیشروی به سوی کرکوک، ارتش عراق پایگاه‌های نظامی خود در کرکوک را تخلیه کرد و نیروهای پیش‌مرگه‌ی کرد این پایگاه را به تصرف خود درآوردند. پس از آن، مسعود بارزانی، رئیس منطقه‌ی کردستان عراق، در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۶، در کنفرانس خبری مشترک با ویلیام هیگ، وزیر خارجه‌ی انگلیس، در اربیل گفت: «ورود نیروهای پیش‌مرگه به کرکوک به معنای اجرای ماده‌ی ۱۴۰ قانون اساسی و پایان قضیه‌ی این ماده است». (www.alalam.ir/news/1606306).

اجرای ماده‌ی ۱۴۰ قانون اساسی عراق یکی از مهم‌ترین موارد اختلاف میان دولت مرکزی عراق و اقلیم کردستان است و کشمکش‌های سیاسی فی‌ما بین یکی از موانع اصلی اجرای ماده‌ی ۱۴۰ قانون اساسی عراق بوده است. در ماده‌ی ۱۴۰ قانون اساسی عراق بر عادی‌سازی اوضاع، سرشماری، و همه‌پرسی در کرکوک و دیگر مناطق مورد مناقشه‌ی کردستان با هدف آگاهی از خواسته‌های ساکنان آن تا پیش از ۱۳ دسامبر سال ۲۰۰۷ تأکید شده بود (نقشه‌ی ۱).



نقشه ۱. مناطق مورد مناقشه کردستان عراق و دولت مرکزی

گسترش بحران

مرحله گسترش بر شکنندگی خیلی شدیدتر از مرحله پیدایش و یک افزایش کیفی در احتمال مخاصمات نظامی دلالت دارد. مرحله گسترش و دوره بحران تقریباً بالاترین حد وخامت اوضاع و حداکثر فشار روانی را نشان می‌دهد. برای برخی گسترش عبارت است از یک فرایند ماقبل جنگ، که به جنگ منتهی می‌شود.

این مرحله چه با خشونت همراه باشد چه نباشد، در هر صورت، فرایند گسترش بحران معمولاً به پیامدهای غیرقابل تغییری برای طرفین درگیری منجر می‌شود (برچر، ۱۹۹۳: ۲۵).

مایکل برچر و جاناتان ویکنفلد شش شاخص را درخصوص گسترش بحران نام می‌برند:

۱. تعداد بازیگران؛

۲. مشارکت یا درگیری قدرت‌های بزرگ در بحران؛

۳. برجستگی جغرافیایی - راهبردی؛

۴. عدم تجانس؛

۵. مسائل؛

۶. میزان خشونت (برچر و ویکنفلد، ۱۳۸۲: ۲۲۲).

تعداد بازیگران مطرح در بحران کردستان در درون عراق و درون اقلیم کردستان عبارت‌اند از: حزب دموکرات و اتحادیه میهنی، شیعیان و سنی‌ها. بازیگران منطقه‌ای شامل ایران، عراق، ترکیه، سوریه، و اسرائیل می‌شود و کشورهای فرامنطقه‌ای شامل روسیه، اتحادیه اروپا، و ایالات متحده آمریکا.

دلایل متعددی، از جمله حمله ارتش عراق به کرکوک و عقب‌نشینی کردها، مخالفت شورای امنیت سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و آمریکا و مخالفت بسیار شدید ایران و ترکیه با اجرای همه‌پرسی در کردستان، باعث شد قدرت‌های بزرگ در بحران کردستان درگیر نشوند.

بیشتر کشمکش‌ها بین اقلیم کردستان و دولت عراق بر سر در اختیار داشتن سرزمین کرکوک است که مورد منازعه کردها، اعراب، و ترکمن‌هاست. زیرا این استان به منابع نفتی سرشاری شهرت دارد که به‌آسانی و با هزینه پایین قابل استخراج است. این استان پس از بصره دومین میدان نفتی بزرگ عراق است و در اختیار داشتن آن به مدیریت نفتی کرکوک و کنترل و نظارت بر ثروت‌های ناشی از درآمد آن منجر می‌شود. این استان در دوره صدام بر اثر سیاست تعریب

و کوچ اجباری کردها و ترکمن‌ها و جای‌گزین کردن آن‌ها با اعراب دچار تغییر در بافت جمعیتی شد (اطلاعات راهبردی، ۱۳۸۶: ۳۴). اما پس از سرنگونی صدام، کردها توانستند بر بخش‌هایی از کرکوک تسلط یابند و با برقراری نظام فدرال در عراق خواستار اجرای ماده ۱۴۰ قانون اساسی و الحاق کرکوک به اقلیم کردستان شوند. حکومت مرکزی عراق و اقلیم کردستان به دو دلیل از بحث قلمروخواهی بهره می‌برند: نخست اینکه قلمروخواهی کرکوک از جنبه مادی حائز اهمیت است، زیرا تقریباً شامل ۴۰ درصد نفت عراق می‌شود و حاکمیت بر آن گروه حاکم را بسیار قدرتمند می‌کند؛ دوم اینکه بهره‌برداری از مفهوم قلمروخواهی روشی برای کنترل و اداره سرزمین و جامعه مردمی آن است.

«عدم تجانس» بین اقلیم کردستان با دولت مرکزی عراق مشهود است. دولت مرکزی عراق از توان نظامی، اقتصادی، و سیاسی بیشتری نسبت به اقلیم کردستان برخوردار است.

درخصوص شاخص «مسائل» قلمروخواهی دولت مرکزی و اقلیم کردستان و عدم اجرای ماده ۱۴۰ قانون اساسی به‌عنوان محور اصلی مناقشه است. حکومت خودمختار کردستان در شمال عراق همواره بر سر مسائل متعدد در حوزه نفت و گاز با دولت مرکزی اختلاف و کشمکش داشته است، مانند اختلاف در مفاد و قانون نفت و گاز عراق؛ تفاسیر متفاوت از قانون اساسی؛ نحوه توزیع درآمدهای نفتی؛ اختلاف در مفاد قانون نفت و گاز عراق؛ نحوه توزیع درآمدهای نفتی؛ اختلاف در معرفی وضعیت میادین نفت و گاز؛ اختلافات مرزی در مناطق نفت‌خیز به‌ویژه کرکوک (خواجوی، ۱۳۹۰: ۱۵-۲۲). «میزان خشونت»، که آخرین مؤلفه گسترش بحران است، در بحران اقلیم کردستان کاملاً مشهود است؛ از جمله اعزام نیروهای نظامی و بازپس‌گیری کرکوک توسط دولت مرکزی عراق و اجرای مانور نظامی توسط ترکیه و ایران (www.scfr.ir/fa/news).

کاهش یا دوره پایان بحران

مرحله کاهش یا پایان بحران زمانی شکل می‌گیرد که تبعات بحران برای متخصصان یا سایر بازیگران مشخص شود. کاهش بحران از نظر دولت‌ها با بروز مؤلفه‌هایی چون از بین رفتن تهدید، فشار زمان، و احتمال جنگ عملیاتی (برچر، ۱۳۸۲: ۵۹) درک می‌شود و این باور را برای دو طرف ایجاد می‌کند که توافق برای پایان جنگ هر دوی آن‌ها را در وضعیت بهترین قرار خواهد داد. برای طرفین یک بحران، سود موردانتظار از ادامه جنگ باید کمتر از فایده مورد توقع از برقراری آتش‌بس و حل و فصل یک بحران باشد. یادآوری این نکته ضروری است که در اینجا جنگ دقیقاً معادل بحران گرفته نشده، بلکه تغییرات صحنه جنگ به موازات وضعیت بحران مدنظر قرار گرفته است.

در همین ارتباط کی. جی هالستی شش روش را درخصوص حل و فصل منازعات بین‌المللی مشخص کرده است که عبارت‌اند از: ۱. احتراز یا عقب‌نشینی داوطلبانه؛ ۲. غلبه خشونت‌آمیز؛ ۳. تسلیم یا عقب‌نشینی اجباری ناشی از تهدید جهت به‌کارگیری زور؛ ۴. سازش؛ ۵. حکمیت یا ارجاع منازعه به داور؛ ۶. حل و فصل منفعلانه یا تسلیم در برابر یک وضعیت موجود جدید، بدون توافقی رسمی (هالستی، ۱۳۸۳: ۷۱۸).

کاهش بحران ممکن است در کوتاه‌مدت یا درازمدت از طریق چانه‌زنی مستقیم، مداخله، و اعمال قدرت نظامی برتر یکی از طرفین درگیر تحقق پیدا کند (برچر، ۱۳۸۲: ۲۹۰).

پس از تصرف اربیل توسط دولت مرکزی عراق، رهبران اقلیم کردستان با توجه به نگرانی از وخامت اوضاع و امکان قربانی گرفتن این ماجرا ترجیح دادند تصمیم خود برای جداسدن از بغداد را به‌تعویق بیندازند و مجبور شدند با مقامات بغداد در این زمینه به توافق برسند که عملیات نظامی در منطقه اقلیم کردستان متوقف شود. اجرای نتیجه همه‌پرسی استقلال، یعنی برگزاری انتخابات محلی، متوقف گردد و گفت‌وگوها بین اقلیم کردستان با کشورهای که هدایت اوضاع

در منطقه خاورمیانه را در دست دارند آغاز شود. می‌توان گفت رهبران اقلیم کردستان درک کردند توازن قوا به شدت به نفع بغداد است و مواضع دولت عراق بسیار قاطع و کاملاً تقویت شده و در موضع برتری مشخص قرار دارد.

تأثیرات بحران

منظور از تأثیر مرحله‌ای است که ادامه خاتمه بحران و عواقب بعدی آن محسوب می‌شود. آثار بحران بر طرفین درگیر، نظام بین‌الملل، و دیگر نظام‌های فرعی مدنظر است. در اینجا میراث برجای مانده از بحران‌ها توصیف و تبیین می‌شود. نتیجه بررسی‌ها باید مشخص کند که آیا این بحران تأثیری در کاهش یا افزایش تنش داشته است یا خیر؟ (برچر، ۱۳۸۲: ۵۹). اجرای همه‌پرسی در اقلیم کردستان تأثیرات و پیامدهایی در ابعاد سیاسی، امنیتی، و اقتصادی دربر داشته است:

سیاسی: نخستین چالش کردها پس از همه‌پرسی مربوط به مناسبات سیاسی با محیط پیرامونی و خارجی است. از این پس کردها با دولت عراق، که اعلام کرده نتایج همه‌پرسی را به رسمیت نمی‌شناسد، چگونه تعامل خواهد کرد؟ با توجه به وابستگی سیاسی و اقتصادی اقلیم به دولت مرکزی، آیا بغداد از ابزار فشار و تحریم علیه کردها بیش از گذشته بهره نخواهد برد؟ در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۸ نیز معادلات سیاسی برهم خورده و کردها عملاً خود را از جرگه حکومت مرکزی خارج کرده و نوعی انزوای سیاسی را برای خود رقم زده‌اند. از طرفی، اقلیم کردستان با همسایگان بزرگی مانند جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، که مخالف سرسخت همه‌پرسی بودند، چگونه کنار خواهد آمد؟ حداقل پیامد منفی اقدام مسعود بارزانی این است که در روابط سیاسی با دولت عراق و نیز همسایگان خود دچار سردی و چه بسا تنش شود (www.kurdparez.com/1396/07/7).

امنیتی: به دنبال همه‌پرسی استقلال کردستان عراق احتمال شعله‌ور شدن آتش جنگ نژادی در عراق وجود دارد و ممکن است برای سال‌ها طول بکشد. برخی تحلیلگران عرب، مانند عبدالباری عطوان، سرنوشت دولت کردی را به داعش تشبیه کرده‌اند. هرچند میان این دو از جهات مختلف تفاوت زیادی وجود دارد، اموری مانند تعیین سرنوشت مناطق مورد نزاع مانند کرکوک اگر از طریق مذاکره حل نشود، احتمال درگیری نظامی میان کردها و دولت مرکزی بغداد وجود دارد. دولت عراق هم ارتش و حشدالشعبی را در نزدیکی مناطق مورد اختلاف مستقر کرده و در حال آماده‌باش به سر می‌برند.

در صورت وقوع هر گونه درگیری و بحران، پای خارجی‌ها به‌ویژه ایالات متحده آمریکا نیز به عراق گشوده خواهد شد و عراقی‌ها بار دیگر تجربه تلخ واگرایی و جنگ و ناامنی را خواهند چشید. با این وصف، می‌توان گفت سناریوی آشوب‌سازی در منطقه و به‌ویژه عراق، که توسط صهیونیست‌ها و آمریکا مدیریت می‌شود، پس از شکست داعش متوقف نشده و اکنون نوبت کردهاست که به هیزم آتش جنگ داخلی احتمالی در عراق تبدیل شوند (قهرمان‌پور، ۱۳۹۶: ۸۰).

اقتصادی: اقلیم کردستان طی سال‌های اخیر پس از حمله داعش و نزول بهای نفت با مشکلات متعدد اقتصادی مواجه بوده است. در شرایط کنونی اقلیم حدود بیست میلیارد دلار در داخل و خارج بدهکار است و تقریباً همه پروژه‌های عمرانی متوقف شده و طی دو سال گذشته ۷۵۰ هزار فرصت شغلی از بین رفته است. بخش خدمات و حتی بخش‌هایی از نیروهای پیش‌مرگه، که با داعش در حال جنگ است، ماه‌هاست حقوقی دریافت نکرده‌اند.

اگر اقلیم کردستان عراق مستقل شود، علاوه بر عدم دسترسی به آب‌های آزاد، بین چهار کشور ایران، عراق، سوریه، و ترکیه محصور خواهد شد. این چهار کشور صراحتاً مخالفت شدید خود را با تشکیل کشور کردستان اعلام کرده‌اند. در شرایط فعلی ترکیه و ایران بزرگ‌ترین شرکای تجاری اقلیم کردستان‌اند. براساس برخی آمارهای غیررسمی، میزان مبادلات تجاری بین اقلیم کردستان و ترکیه بیش از هشت میلیارد دلار در سال است. این رقم بین ایران و کردستان به بیش از پنج میلیارد دلار می‌رسد که بیش از ۸۵ درصد آن را واردات به کردستان تشکیل می‌دهد.

بر این اساس، از سیاستمداران گُرد، که خواهان استقلال کردستان‌اند، باید پرسید منابع درآمد کشور جدید از کجا تأمین خواهد شد؟ از نگاه آنان، قرار است عمده درآمد کردستان از طریق تولید نفت تأمین شود. اما بخشی از منابع نفتی که قرار است به کمک اقتصاد کردستان بیاید در مناطقی مانند کرکوک است که در حال حاضر رسماً جزو اقلیم کردستان نیست و درباره آن بین اقلیم و دولت مرکزی عراق اختلاف وجود دارد.

نحوه انتقال نفت به خارج هم مشکل بزرگی است که کردستان مستقل با آن مواجه خواهد بود. تنها راه موجود راه زمینی و از طریق یکی از چهار کشوری است که ممکن است کردستان مستقل را به رسمیت نشناسند. در این راستا تهدید رئیس‌جمهور ترکیه به بستن شیرهای نفت قابل توجه است (www.kurdparez.com/1396/07/07).

عوامل زمینه‌ساز و تشدیدکننده بحران اقلیم کردستان براساس مدل مایکل برچر

از نظر برچر، عوامل زمینه‌ساز و تشدیدکننده بحران یا متغیرهای سازنده را می‌توان در هفت مورد برشمرد. این عوامل در واقع شرایطی هستند که وقوع مراحل پیدایش، گسترش، کاهش، و تأثیر بحران را متحمل‌تر می‌کنند. عوامل مذکور عبارت‌اند از:

جغرافیا

جغرافیای یک بحران می‌تواند هم شامل موقعیت منطقه‌ای هم فاصله یک بحران از قلمرو کشورهای دیگر باشد (برچر، ۱۳۸۲: ۳۸۰). رفتار دولت‌ها در قبال یک بحران، بسته به سطح مجاورت جغرافیایی آن‌ها، متفاوت خواهد بود. هر اندازه یک بحران از نظر جغرافیایی به یک یا چند کشور نزدیک‌تر باشد، این کشورها به‌عنوان بازیگران درگیر آن بحران خشونت بیشتری را به‌کار می‌گیرند. در واقع، به‌کارگیری خشونت در بحران بیشتر معطوف به همسایگان بلافصل آن خواهد بود (بوزان، ۱۳۸۶: ۹۹).

موقعیت جغرافیایی، وجود عوارض طبیعی، و شرایط توپوگرافیکی محیط طبیعی نظیر کوه‌ها، رودها، و منابع طبیعی کشورها نیز در شکل‌گیری بحران مؤثر است. اینکه یک بحران در کدام قاره به‌وقوع می‌پیوندد از نظر یک تحلیلگر مسائل بحران بسیار حائز اهمیت است. گاهی زمینه‌های بروز بحران در مناطق تحت‌الشعاع عملیاتی قدرت‌های بزرگ ژئواستراتژیکی واقع شده‌اند. همچنین، غالباً وجود اقلیت‌های قومی فعال در محدوده مرزهای سیاسی چند کشور با ظرفیت‌های سیاسی - نظامی متفاوت موجبات برخورد را فراهم می‌آورد (حیدری، ۱۳۷۲: ۴۵).

کردستان به فضای جغرافیایی مرتفع در خاورمیانه گفته می‌شود که از نظر ژئواکونومیک زیستگاه و موطن کردهاست. این منطقه مرتفع بخش‌هایی از غرب و شمال غرب ایران، شرق و جنوب شرق ترکیه، شمال و شمال شرق عراق و سوریه، و نیز غرب قفقاز را دربر می‌گیرد. سرزمین مرتفع کردها باعث شهرت آن‌ها به‌عنوان مردمان کوهستان در نظر اقوام پیرامونی شده است (سیمنت، ۱۳۷۵).

کردستان عراق به دلایل زیر از وزن ژئوپلیتیکی بالایی در خاورمیانه برخوردار است:

۱. در فضای جغرافیایی خاورمیانه، کردستان در محل تلاقی چند سازه سیاسی ایران، عراق، ترکیه، سوریه، و ارمنستان قرار دارد؛

۲. کردستان بین چند تمدن کهن از جمله تمدن ایرانی، تورانی (ترک)، و تمدن غربی (سامی) واقع شده است؛

۳. کردستان به لحاظ ساختار طبیعی محل تلاقی سه حوزه فلات قفقاز، فلات ایران، و فلات شبه‌جزیره عربستان است؛

۴. کردستان هارتلند خاورمیانه است؛

۵. به لحاظ ژئوپلیتیک انرژی، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد (محمدی و خالدی، ۱۳۹۰: ۴۰-۴۱).

۶. به لحاظ نظامی، کوه‌های کردستان عمق استراتژیک و محافظت کردها به‌شمار رفته‌اند و ناتوانی همسایگان قدرتمندشان در دسترسی به منطقه کوهستانی آن‌ها را قادر ساخته از خود محافظت کنند (مبارک‌شاهی، ۱۳۹۴: ۸۶).

وضعیت منازعه

برخی بحران‌های بین‌المللی در بستری فارغ از خصومت‌های درازمدت روی می‌دهند. اما بعضی دیگر از بحران‌ها در زمینه‌ای اتفاق می‌افتند که در آن مناقشه طولانی مدت بر سر چند موضوع وجود داشته و میزانی از خشونت دوره‌ای یا یک جنگ مستمر بر جای مانده است که اثرهایش به سایر حوزه‌های مرتبط با آن مناقشه سرایت کرده است.

تعارض طولانی از رفتارهای خصمانه دوجانبه‌ای ناشی می‌شود که برای مدت‌های زیادی ادامه می‌یابد و با وقوع جنگ‌های پراکنده و علنی همراه است. کثرت و شدت این نوع تعارض در نوسان است و خطرهای ناشی از آن بسیار بالاست. تعارض طولانی کل جامعه را دربر گرفته و هویت ملی و همبستگی اجتماعی را هم تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. با وجود اینکه ممکن است در این نوع تعارض‌ها وقفه‌هایی حاصل شود و خشونت آشکار متوقف گردد، مناقشات در طی زمان ادامه می‌یابد و مرحله ختم مخاصمه تشخیص‌دانی نیست. می‌توان گفت تعارض‌های طولانی، رویدادهای معین، یا حتی مجموعه‌ای از رویدادها در یک دوره زمانی مشخص نیستند، بلکه فرایندی تداوم‌یابنده‌اند (برچر، ۱۳۸۲: ۲۹۸).

بحران اقلیم کردستان در یک بستر زمانی پانصدساله از شکست ایران در جنگ چالدران و جداسدن بخشی از مناطق کردنشین از ایران شروع شده و تا دخالت انگلیسی‌ها و توافق کردها با حزب بعث، تهاجم عراق به اقلیم، ایجاد حکومت فدرالی پس از سقوط صدام (نصری و رضایی، ۱۳۹۲: ۳۵)، و در این اواخر با اجرای همه‌پرسی در اقلیم کردستان در نوسان بوده است و یکی از مصادیق تعارض‌های طولانی مدت است که مرحله ختم آن تشخیص‌دانی نیست.

عمر بازیگر بحران

عمر یک بازیگر بحران (کشور) براساس تاریخ استقلال آن بازیگر در نظام بین‌الملل تعیین می‌شود. انتظار از دولت‌های پیر این است که در همه جوانب بحران، اعم از آغاز نمودن یک بحران، به‌کارگیری خشونت در مدیریت بحران، اعمال فشار برای پیروزی، و پذیرش یک نتیجه معطوف به سازش، محتاطانه‌تر از دولت‌های جدیدالتأسیس رفتار کنند. کشورهای نوپا به دلیل بی‌ثباتی داخلی و عدم امنیت، گاهی به بحران‌های خارجی به‌عنوان یک تدبیر سیاسی برای توجیه بی‌ثباتی داخلی خود متوسل می‌شوند. البته، دولت‌های باثبات‌تر نیز احتمال دارد بخواهند قابلیت‌های برتر خود را به‌نمایش بگذارند (برچر، ۱۳۸۲: ۶۶).

حکومت خودگردان کردستان، به‌عنوان دولتی جدیدالتأسیس، به دلیل اختلافات احزاب سیاسی اقلیم، مشکلات اجتماعی نظیر فساد گسترده، و اعتراض‌های اجتماعی به دلیل ناتوانی در پرداخت کردن حقوق کارمندان، اختلاف با دولت مرکزی در حوزه انرژی، بودجه، امنیتی، و ارضی دریافته بود شرایط کنونی دولت عراق در موقعیت ضعف قرار گرفته و پس از پاک‌سازی داعش و تقویت جایگاه دولت مرکزی امکان طرح همه‌پرسی کمتر می‌شود و برای مدیریت فشارهای داخلی علیه خود در پی این بودند که به نوعی زمان بخرند و فشارها در سطح محلی کردستان را به سمت دولت مرکزی تغییر دهند (<http://www.npps.ir/articlePreview.aspx/131948>).

هرچند رهبر اقلیم کردستان شروع‌کننده این بحران بود و دولت مرکزی عراق تا قبل از همه‌پرسی محتاطانه رفتار می‌کرد، اصرار بارزانی بر اجرای همه‌پرسی و اجتناب از تعلیق آن دولت مرکزی به‌ناچار او را به‌سبب برگزاری همه‌پرسی تحت پیگرد قرار داد و از حیدر العبادی خواست بر منطقه نفت‌خیز کرکوک، که در کنترل اقلیم کردستان است، نیروی

نظامی گسیل کند. دولت مرکزی نشان داد توانایی اعمال حاکمیت سرزمینی را دارد و به‌عنوان یک قدرت باثبات‌تر با لشکرکشی به کرکوک قابلیت‌های برتر خود را به‌نمایش گذاشت.

نظام سیاسی

رفتار بازیگران بحران بسته به نوع و دوام نظام سیاسی آن‌ها متفاوت است. نظام‌ها طیف متنوعی از دموکراسی تا اقتدارگرایی غیرنظامی و نظامی را دربر می‌گیرند. از دموکراسی‌ها انتظار می‌رود به بحران‌ها محتاطانه‌تر و قانونمندانه‌تر واکنش نشان دهند و کمتر به خشونت متوسل شوند. این کشورها در مؤلفه‌های دیگری نیز با یکدیگر اختلاف دارند که شامل مواردی چون نوع مدیریت بحران (شامل گستره و شدت به‌کارگیری خشونت، رعایت فاصله زمانی میان جرقه‌های اولیه بحران، و به‌کارگیری تهدید معطوف به ارزش، سطح ارتباطات با دشمنان) و ساختار تصمیم‌گیری است (برچر، ۱۳۸۲: ۶۷).

در رابطه با نظام سیاسی، با دو مقوله در بحران کردستان روبه‌رو هستیم: یک طرف کردهای عراق که بر آن‌اند پس از صد سال مبارزه برای دستیابی به جایگاه سیاسی موردنظر خود و عبور از دو قرارداد ساکس-پیکو و سور و دادن نزدیک به سیصد هزار قربانی، دولت‌های مرکزی عراق هیچ‌کدام نتوانسته‌اند عدالت سیاسی و اقتصادی را رعایت کنند و استقلال بهترین گزینه برای دوری از هرگونه تنش با دولت مرکزی است (غلامی، ۱۳۹۶: ۱۲).

از طرف دیگر، دولت عراق از جمله دولت‌های ناکام است که با اختلافات قومی، مذهبی، و اقتصادی مواجه بوده و قادر به ایجاد حس هویت ملی نبوده است و ملت‌سازی برای ثبات در این سرزمین شکل نگرفته است. پس از حمله داعش و ضعف نظام سیاسی، انتظار می‌رفت به شکل یک دولت منسجم قادر به تحمیل اقتدار خود بر بخش‌های عظیمی از سرزمینی‌های خود نباشد، ولی بازپس‌گیری منطقه کرکوک توسط ارتش عراق نشان داد، با کم‌شدن خطر داعش، اولویت اول بغداد کنترل مجدد منطقه کردستان است. دولت مرکزی به‌شدت بر قانون اساسی و ساختار حکومتی پافشاری می‌کند و حق مردم عراق و اقلیت‌ها را در چارچوب قانون اساسی می‌پذیرد. حمله نیروهای عراقی به کرکوک را استیفای حق قانونی برای اعمال حاکمیت بر کل کشور و برابر قانون می‌داند و اجازه نمی‌دهد هیچ‌گونه تغییری در شرایط قانون و حاکمیت عراق ایجاد شود.

مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

متغیر مداخله قدرت‌ها در بررسی عوامل تشدیدکننده بحران‌های بین‌المللی در مدل برچر اساساً به نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای و در رأس آن‌ها ابرقدرت‌ها در شکل‌گیری بحران‌های بین‌المللی اشاره می‌کند. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و نظام دوقطبی این متغیر نیازمند بازتعریف و بازسازی است.

آنچنان که برچر تعریف می‌کند، مداخله قدرت‌های عمده در بحران‌های بین‌المللی دربردارنده دو عنصر رضایت و اثرگذاری است. گاهی مداخله اندک است که به فعالیت سیاسی و اقتصادی و تلاش‌های تبلیغی محدود می‌شود و گاهی مداخله زیادتر و شامل اقدامات نظامی مستقیم، فعالیت‌های شبه‌نظامی، و نیز مخفیانه است.

۱. تقارن منافع در سطح بالا، در مناطقی که هر دو قدرت منافع بسیار جدی و حیاتی دارند؛
۲. تقارن منافع در قدرت‌ها تحت تأثیر دو متغیر جغرافیا و ساختار بین‌الملل قرار می‌گیرند که در این زمینه می‌توان رقابت آن‌ها را بر حسب نوع تقارن منافع و چگونگی تأثیرگذاری بر سطح روبرویی در مناطق مختلف به اشکال مختلف تقسیم کرد. از جمله:

سطح پایین، در مناطقی که هر دو قدرت منافع ناچیز یا اندک دارند؛

۳. عدم تقارن منافع به سود قدرت بزرگ الف؛

۴. عدم تقارن منافع به سود قدرت بزرگ ب؛

۵. تقارن منافع مورد مناقشه، یعنی مناطقی که قدرت‌های بزرگ الف و ب بر سر توازن نسبی منافع با یکدیگر توافق ندارند؛

۶. تقارن منافع نامطمئن در مناطقی که وضعیت مبهم و سیاسی بر آن‌ها حاکم است (برچر، ۱۳۸۲: ۱۹۸).
 کردستان عراق با قرارگرفتن بین چهار کشور ایران، ترکیه، سوریه، و عراق و تأثیرگذاری این منطقه بر سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای این کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
 چگونگی واکنش قدرت‌های منطقه‌ای (ایران و ترکیه) بیانگر آن است که می‌توان بحران اقلیم کردستان را در قالب «تقارن منافع در سطح بالا در مناطقی که هر دو قدرت منافع بسیار جدی و حیاتی دارند» تشریح کرد.
 از طرف دیگر، منطقه مورد مناقشه اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق نشان می‌دهد وضعیت این منطقه با «تقارن منافع مورد مناقشه»، یعنی منطقه‌ای که هر دو «بر سر توازن منافع با یکدیگر توافق نسبی ندارند»، تطبیق داده می‌شود.
 بزرگ‌ترین کشمکش سرزمینی و قلمروخواهی در عراق میان کردها و دولت مرکزی به‌ویژه بر سر «کرکوک» در جریان است که نتیجه رابطه پیچیده سرزمین، سیاست، و قومیت و شامل موضوعاتی مانند اختلاف در اختیارات بین حکومت مرکزی و حکومت منطقه‌ای، مشکل همزیستی گروه‌های مذهبی و نژادی، اختلاف بر سر منابع سطحی و زیرسطحی، و رشد احزاب سیاسی می‌شود. حکومت اقلیم کردستان در پی قلمروخواهی خود به دنبال ضمیمه کردن بخش‌های کردنشین عراق است تا پیوستگی جغرافیایی آن را به مرحله اجرا درآورد و دولت عراق نیز آن‌ها را جزو اقلیم کردستان نمی‌داند و درصدد اعمال حاکمیت ملی بر آن‌هاست (بدیعی ازندهای و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۴۸).

سطح نظام بین‌الملل

هر بحران بین‌المللی (منحصراً یا در ابتدا) درون یک نظام مسلط یا درون یکی از چند زیرنظام منطقه‌ای که با هم تشکیل یک نظام جهانی را می‌دهند روی می‌دهد. گاهی بحران به سطح نظام مسلط بین‌المللی سرایت می‌کند، اما برخی اوقات بیشتر این نظام را دربر می‌گیرد. در این حالت بحران قدری از سطح نظام فراتر رفته است. این نوع بحران معمولاً وقتی رخ می‌دهد که یک یا چند قدرت عمده بازیگر یک بحران باشند (برچر، ۱۳۸۲: ۲۱۰).
 دلایل متعددی از جمله پافشاری دولت مرکزی عراق مبنی بر اعمال حاکمیت سرزمینی بر مناطق اشغال شده توسط کردها و حمله به کرکوک و متعاقباً عقب‌نشینی کردها، مخالفت بسیار شدید ایران با ترکیه، مخالفت شورای امنیت سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و آمریکا، موضع مبهم روسیه، و عدم حمایت از کردها باعث شده بحران اقلیم کردستان عراق فعلاً از سطح منطقه‌ای به سطح نظام بین‌الملل تسری نیابد.

قطب‌بندی

مفهوم قطب‌بندی در شکل جدید آن به تعداد مراکز قدرت و تصمیم‌گیری در نظام بین‌الملل ارتباط دارد. نظام دوقطبی در این مفهوم نشان‌دهنده تمرکز قدرت و تصمیم‌گیری در دو بازیگر بالنسبه همسطح است که این بازیگران ممکن است واحدهای مجزا یا ائتلاف‌های قوی دولت‌ها باشند. این دو مرکز قطبی در مواردی چون تعیین شرایط ثبات، ایجاد محدودیت در رفتارهای مستقل از جانب اعضای بلوک‌های قدرت یا بازیگران غیروابسته در بلوک‌ها، و همچنین در نتایج جنگ‌های اصلی در نظام بین‌الملل دارای نقش برجسته‌اند.

اصطلاح چندمرکزی معرف یک ساختار با دو مرکز برتر قدرت نظامی و مراکز چندگانه تصمیم‌گیری سیاسی است. اصولاً نظام چندمرکزی به دلیل ایجاد هزینه‌های امنیتی برای اعضای خود بی‌ثبات‌تر از مابقی نظام‌های قطب‌بندی دیگر است. این هزینه‌ها شامل هزینه‌های تصمیم‌گیری و اجراست. هزینه تصمیم‌گیری به زمان صرف‌شده برای توافق جهت

اجرای یک رژیم امنیتی گفته می‌شود و هزینه اجرا به مدیریت جاری نظام برمی‌گردد که در این نظام بسیار فزاینده است (برچر، ۱۳۸۲: ۱۱۰).

در رابطه با همه‌پرسی (و نه استقلال کردها) می‌توان به بررسی قطب‌های موافق، مخالف، و بدون موضع اعلانی در چهار سطح کردهای عراق، چهار کشور دارای کرد، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پرداخت.

سطح تحلیل	موافق	مخالف	بدون موضع اعلانی
درون اقلیم	حزب دموکرات و اتحادیه میهنی، بخشی از ترکمن‌های سنی	جنیش تغییر، اتحاد اسلامی و جماعت اسلامی، ترکمن‌های شیعه، بخشی از ترکمن‌های سنی	
درون عراق	برخی از گروه‌های سنی	شیعیان و بخش زیادی از گروه‌های سنی	
کشورهای دارای قوم کرد		ایران، عراق، ترکیه، و سوریه	
منطقه	رژیم صهیونیستی	اتحادیه عرب	عربستان و امارات
فرامنطقه		امریکا و اتحادیه اروپا	

(منبع: نویسندگان)

بازیگران بحران اقلیم کردستان

به‌طور کلی، در بررسی نقش قدرت‌ها در یک بحران باید تأثیر و میزان سهم آن‌ها در ایجاد و گسترش، کاهش، و نهایتاً پایان دادن به آن بحران را بررسی کرد. چنین نقشی برای طرفین اصلی که یک بحران را ایجاد می‌کنند مستقیم و برای دیگر بازیگران دخیل غیرمستقیم است. در عین حال، سهم تأثیرگذاری بازیگرانی که به‌صورت غیرمستقیم در شکل‌گیری، گسترش، یا کاهش بحران ایفای نقش می‌کنند بعضاً بسیار اساسی است. در این بخش به‌طور کلی نقش بازیگران بحران اقلیم کردستان را جداگانه براساس اهداف و منافع متفاوت آن‌ها بررسی می‌کنیم:

اقلیم کردستان

از سال ۲۰۰۳ به بعد کردها شاهد خودمختاری رسمی منطقه کردستان و حیات سیاسی فدرالی هستند. در نظام جدید عراق، جایگاه کردها به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا کرد و کردها در عراق از اقلیت مطرود به اقلیت مشروع تبدیل شدند و حاکمیت آن‌ها بر استان‌های کردنشین سلیمانیه، دهوک، و اربیل رسمیت پیدا کرد. منطقه کردستان عراق یک پارلمان یکصد و یازده نفره، نخست‌وزیر، هیئت دولت محلی، نیروی پلیس، و تشکیلات امنیتی به نام نیروهای پیش‌مرگه دارد و ۱۷ درصد بودجه کل عراق نیز به منطقه کردستان اختصاص دارد. کردها در نظام جدید عراق نیز در توزیع قدرت نقش قابل ملاحظه‌ای دارند. بسیاری از کشورهای مهم در منطقه کردستان عراق دفتر نمایندگی یا کنسولگری دارند. این امتیازها موجب شد تا کردها خود را در عراق جدید به‌عنوان جریان سوم مطرح کنند که دو جریان دیگر، یعنی شیعیان و سنی‌ها، برای تشکیل دولت نیاز به همراهی با این جریان دارند.

با این حال، دولت محلی کردستان عراق به‌خصوص طی سال‌های اخیر بارها خواستار جدایی این منطقه از عراق و تشکیل کشور مستقل کردی شد. تا اینکه احزاب سیاسی اقلیم کردستان عراق برای برگزاری همه‌پرسی درباره استقلال این منطقه در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ با یکدیگر به توافق رسیدند (www.euronews.com/2017/06/07).

بسیاری گمان می‌کنند اصرار اقلیم به برگزاری همه‌پرسی می‌تواند به این دلیل باشد که کردها باور دارند پس از همه‌پرسی فضای گسترده‌ای به‌وجود می‌آید که کردها می‌توانند با دست بازتر به مذاکره با بغداد بنشینند و ضمن احقاق خواسته‌های خود تعریف جدیدی از روابط با بغداد داشته باشند. آن‌ها خوب می‌دانند وضعیت خودشان و منطقه در این مرحله اجازه ظهور کشور جدیدی را نمی‌دهد، اما وضعیت فعلی (درگیری‌های داخلی دولت مرکزی عراق و سوریه با

داعش و گروه‌های تروریستی) برای آن‌ها فرصتی به‌وجود آورده که برای تحقق اهداف و دستاوردهای بزرگ‌تر از آن بهره‌برداری کنند و استفاده از این فرصت ممکن است دیگر تکرار نشود (موسوی خلخالی، ۱۳۹۶).

دولت مرکزی عراق

یکی از مخالفان استقلال اقلیم کردستان دولت مرکزی عراق است. با توجه به تحولات شکل‌گرفته، دولت مرکزی عراق به‌دلیل مخالفت استقلال اقلیم با قانون اساسی و ایجاد زمینه جدایی دیگر اقلیت‌ها، تضعیف عراق و وجود منابع نفت و گاز غنی در منطقه اقلیم، هیچ‌گاه حاضر به استقلال این منطقه نخواهد شد و همواره در رابطه با این موضوع مقاومت خواهد کرد.

شیعیان ترجیح می‌دهند در یک عراق متحد و یکپارچه زندگی کنند تا در یک جامعه شیعی صرف. آن‌ها به آینده عراق امید دارند و می‌دانند در صورت ادامه روند دموکراتیک به مناصب مهم سیاسی در عراق دست خواهند یافت و اداره سیاسی عراق را در دست خواهند گرفت. شیعیان می‌دانند، در صورت تجزیه عراق، بغداد و چاه‌های نفتی را که در بخش‌های کردنشین وجود دارد از دست خواهند داد. در نتیجه، می‌خواهند همچنان اداره این بخش‌ها را در اختیار داشته باشند و در این درآمدهای نفتی سهمی شوند. بنابراین، می‌توان گفت آنچه شیعیان می‌خواهند، با توجه به گذشته ناخوشایند، گرفتن سهمی متناسب از قدرت سیاسی و آزادی‌های مشروع و عمومی و ممانعت از ایجاد دیکتاتوری چون صدام است (داج، ۱۳۸۴: ۳۵).

از این‌رو، مهم‌ترین خواسته‌های شیعیان را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- تقسیم عادلانه و حداقلی دموکراتیک قدرت که کمابیش پس از سقوط عملی شده است. حفظ این شکل تسهیم و ممانعت از ظهور دیکتاتوری سنی‌مذهب (مانند صدام) از مهم‌ترین اهداف شیعیان است؛
- جلوگیری از تجزیه عراق؛ با آنکه نگرانی شیعیان از تجزیه عراق به اندازه اهل سنت نیست، به دلایل مشخص استراتژیک و ژئوپلیتیکی، تجزیه این کشور برای اهل تشیع گزینه‌ای پذیرفتنی نیست؛
- برقراری ثبات، امنیت، و آرامش در عراق؛ گروه‌های رادیکال و تروریستی که در عراق جریان خون‌ریزی و بمب‌گذاری‌های انتحاری را تداوم می‌بخشند دارای گرایش‌های قوی ضدشیعه و تمایلات سلفی و وهابی‌اند (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۲).

در چنین شرایطی، دولت عراق و رهبران شیعی امیدوارند با گسترش تعاملات با کردها و ایجاد فضای جدیدی در روابط، که به کاهش اختلافات و تنش‌ها و بازسازی ائتلاف شیعی- کردی منجر شود، بتوانند به شکل مؤثرتری با مشکلات و چالش‌های کنونی در این کشور مقابله کنند.

سنی‌های عراق، که در بخش‌های خشک و خالی از منابع طبیعی زندگی می‌کنند، به‌دلیل نداشتن منابع مناسب نفتی در مناطق خود راضی نیستند که عراق به‌صورت فدرالی اداره شود؛ چه برسد به اینکه عراق تجزیه شود. از این‌رو، کوشیده‌اند در فرایند دموکراتیک وارد شوند و از همه امکانات و قابلیت‌های خویش برای به حداکثر رساندن منافع و امتیازات اهل سنت استفاده کنند. اصلی‌ترین اهداف اهل سنت عراق را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- رسیدن به حداکثر امتیازات عصر گذشته: اگرچه اعاده کامل آن متصور نیست، می‌توان بازبایی بخش اعظم آن‌ها را در برنامه خویش گنجانده، به‌هرحال، آنان از تبدیل شدن به اقلیت و احتمالاً تحمل وضع زندگی اقلیت‌ها نگران‌اند؛
- جلوگیری از تجزیه عراق: به‌دلیل وضع ژئواکونومیک منطقه محل سکونت اهل سنت، تجزیه عراق به معنای محرومیت از نعمت نفت و دیگر درآمدهای سرشار است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۴).

به‌رغم آنکه هشدارها و فشارهای داخلی در سطح اقلیم، عراق، منطقه، و جامعه جهانی علیه بارزانی برای لغو همه‌پرسی روز به روز افزایش می‌یافت، درنهایت، همه‌پرسی در موعد مقرر (۳ مهر ۱۳۹۶) برگزار شد. تصویب اعمال مجازات‌های متعدد و سخت علیه کردستان توسط دولت و مجلس، کردها را تا حدود زیادی غافل‌گیر کرد.

بسته‌شدن مسیر پروازهای هوایی از دیگر مناطق عراق به اقلیم و تأکید دولت بر ضرورت تحویل همه فرودگاه‌ها و گذرگاه‌های مرزی و مناطق نفتی به بغداد، الزام العبادی توسط مجلس به ارسال نیروهای نظامی به مناطق مورد منازعه، و مخالفت با هرگونه مذاکره با اقلیم مگر به شرط لغو همه‌پرسی و نتایج آن از اولین واکنش‌های دولت مرکزی به همه‌پرسی استقلال بود. برخی جریان‌های داخلی مانند ائتلاف دولت قانون مواضع سخت‌گیرانه‌تری نسبت به کردها اتخاذ کردند. پافشاری بر برکناری رئیس‌جمهور و نمایندگان کرد پارلمان فدرال و حتی محاکمه مقامات کرد از جمله بارزانی به اتهام خیانت به کشور نشان داد فضای سختی علیه اقلیم در بغداد به‌وجود آمده است. با ادامه واکنش‌های تند دولت مرکزی به اجرای همه‌پرسی و نیز اجرای مانور نظامی توسط ترکیه و ایران و تهدید اقلیم کردستان، فشارهای سنگینی بر بارزانی وارد شد تا از موضع خود عقب‌نشینی و نتیجه همه‌پرسی را لغو کند. ولی حاکمان اقلیم بر موضع خود پافشاری کردند. آن‌ها حتی تهدید کردند اگر دولت مرکزی بخواهد اداره کرکوک را هم به‌دست بگیرد، دست به سلاح می‌برد. فشارها به اقلیم باعث شد شکاف قدیمی در میان حاکمان این منطقه سر باز کند. شکاف دو حزب اصلی اتحادیه میهنی و حزب دموکرات به رهبری مسعود بارزانی، از سوی دیگر احزابی همچون گوران نیز از مخالفان حزب دموکرات و بارزانی بودند که به این شکاف عمق بخشیدند. اصرار مسعود بارزانی بر حفظ حاکمیت کرکوک و میداین نفتی آن باعث شد پس از ضرب‌الاجل ۳۶ ساعته به کردها، دولت مرکزی با همکاری نیروهای شیعه (حشدالشعبی) دست به اقدام نظامی بزند؛ اقدامی که با همکاری برخی نیروهای پیش‌مرگه همراه بود و باعث شد کرکوک در کمتر از یک روز در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۲۴ به کنترل دولت مرکزی عراق درآید (www.scfr.ir/fa/news).

پس از تصرف کرکوک توسط دولت مرکزی و عقب‌نشینی پیش‌مرگه‌ها از کرکوک، غیرنظامیان کرکوک را ترک کردند و به استان‌های اربیل و سلیمانیه در اقلیم کردستان عراق پناه بردند و باعث تشدید اختلافات داخلی در میان جناح‌های رقیب کرد شدند و هر کدام دیگری را به پشت‌کردن به آرمان‌های مردم و سازشکاری متهم کردند. در همین حال، نخست‌وزیر عراق با شرکت در یک نشست خبری در بغداد اعلام کرد نیروهای دولت مرکزی همه کرکوک را به‌تصرف درآورده‌اند و گفت: «همه‌پرسی تمام شده و به تاریخ پیوسته است» (www.fararu.com/fa/news/333074).

ایران

نگرانی‌های جمهوری اسلامی ایران از ناحیه اقلیم کردستان و تحولات آن عبارت‌اند از: ۱. به‌خطر افتادن امنیت و ثبات ایران به‌دلیل مبارزات جدایی‌طلبانه کردها (دریاستر، ۱۳۹۳)؛ ۲. نگرانی در خصوص افزایش نفوذ و تأثیرات کردستان عراق بر مناطق ایران و افزایش سطح مطالبات سیاسی کردهای ایران؛ ۳. وجود پایگاه نظامی و مقر و دفاتر سیاسی و احزاب اپوزیسیون مسلح کرد ایرانی در کوهستان‌های قندیل؛ ۴. حضور و نفوذ قدرت‌های رقیب یا معارض جمهوری اسلامی ایران در اقلیم کردستان، از جمله ترکیه، امریکا، و اسرائیل (حاتمی و سانبار، ۱۳۹۵)؛ ۵. نگرانی از ورود تهدیدات امنیتی به داخل ایران (مصطفی، ۱۳۹۵).

فرصت‌های متصور از ناحیه اقلیم کردستان و تحولات آن برای جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: ۱. استقلال کردستان عراق عملاً پایان یک عراق متحد است و تجزیه عراق تهدیدات احتمالی از جانب عراق را برای همیشه تضعیف می‌کند؛ ۲. استقلال کردستان عراق توازن جمعیتی و به تبع آن قدرت را در داخل عراق به نفع شیعیان تغییر می‌دهد. تحکیم قدرت شیعه در عراق همسو با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران است؛ ۳. تقویت محور تهران- اربیل- بغداد

در مقابل رژیم‌های سنی منطقه؛ ۴. حضور در اقلیم کردستان سبب ایجاد موازنه در مقابل بازیگران رقیب و کاهش تهدید امنیتی از جانب آن‌ها می‌شود؛ ۵. گسترش هر چه بیشتر روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی با اقلیم کردستان سبب ایجاد همگرایی بیشتر می‌شود. این مسئله با توجه به اشتراکات تاریخی و فرهنگی کردها با سایر گروه‌های قومی ایرانی بیشتر مورد توجه است و، از سوی دیگر، این امر سبب جلوگیری از گرایش‌های واگرایانه کردها در ایران خواهد شد (حاتمی و سانبار، ۱۳۹۵: ۲۷۰).

موضع جمهوری اسلامی ایران از ابتدا نسبت به برگزاری همه‌پرسی و استقلال کردستان عراق کاملاً روشن بود. رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق، در ۳۱ خرداد ۱۳۹۶ تأکید کردند جمهوری اسلامی ایران از تمامیت و وحدت عراق حمایت می‌کند و با برخی زرمه‌ها مبنی بر برگزاری همه‌پرسی برای جدایی یک بخش از عراق مخالف است و دامن‌زنندگان به این موضوع را مخالفان استقلال و هویت عراق می‌داند. این موضع شفاف از سوی بالاترین مقام ایران و مخالفت فرماندهان نظامی از جمله رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران و همچنین رئیس شورای عالی امنیت و ... حاکی از مخالفت قاطع ایران با هرگونه اقدام تجزیه‌طلبانه و استقلال‌طلبانه در عراق است (شهیدی، ۱۳۹۶).

ترکیه

روابط این کشور با منطقه کردستان عراق به اهمیت ویژه اقتصادی آن منطقه، استفاده از کردها به‌عنوان نیروی نفوذی در دولت مرکزی، و تلاش حکومت اقلیم در جهت ادامه برنامه صلح ترکیه با کردها برمی‌گردد. هنگامی که رئیس حکومت اقلیم در سال ۲۰۱۲ بغداد را تهدید به استقلال کرد، ترکیه واکنشی نشان نداد و ظاهراً با استقلال آن‌ها موافق بود (استنسفیلد، ۱۳۸۲).

در حال حاضر، در روابط ترکیه با اقلیم کردستان این موارد مورد توجه دولت ترکیه است: ۱. تلاش برای استفاده از ظرفیت اقلیم کردستان در راستای حل معضل درگیری‌های ارتش ترکیه و پ.ک.ک؛ ۲. تعامل و همکاری با اقلیم کردستان به دلیل تغییر سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی نسبت به مسئله کرد؛ ۳. نفوذ سیاسی در اقلیم و بهره‌گیری از آن در راستای تأمین اهداف ملی؛ ۴. حضور فعال در بازار بکر و مصرفی اقلیم کردستان و انعقاد قراردادهای تجاری و نفتی با اقلیم؛ ۵. نگرانی‌های سیاسی و امنیتی در مورد کردستان عراق و تحولات پیش رو. نگرانی ترکیه از مسئله کردی در دو بُعد داخلی و خارجی قابل بررسی است. ناسازگاری قومیتی و هویتی بین کردها و ترک‌ها به دلایل فرهنگی، زبانی، و مذهبی موجب ناسازگاری مداوم و مستمر دولت ترکیه و کردها و ترس از تجزیه‌طلبی کردها بوده است. مسئله کردها همچون نقطه‌ضعفی برای دولت‌های ترکیه از گذشته تا به حال بوده است (کولایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰).

هرچند تحولات جاری منطقه و تغییر سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی در خصوص کردها، ترکیه را ناچار از تغییر سیاست خصمانه به یک رویه متعادل‌تر کرده است و منافع اقتصادی حاصل از روابط و همگرایی اقتصادی با اقلیم به عایدات و سود سرشار برای ترکیه انجامیده است، دولت ترکیه به دلیل داشتن جمعیت بالای کرد و تصور تهدیدات امنیتی از استقلال اقلیم کردستان، در حال حاضر، از تشکیل دولت مستقل کردی در شمال عراق حمایت نخواهد کرد. دولت ترکیه همه‌پرسی استقلال در کردستان را «اشتباه بزرگ» توصیف کرده است و آن را دهن کجی به ترکیه می‌داند و در مواضع خود بیان کردند چنانچه بارزانی از موضع خود عقب‌نشینی نکند، علاوه بر بستن خطوط انتقال و نفت و کالا و اقدام نظامی، همه تدابیر را برای مواجهه با همه‌پرسی روی میز دارند (www.hamshahronline.ir/details/383585).

دولت ترکیه، علاوه بر تشدید تدابیر امنیتی در مرزها، تهدید به تحریم اقلیم کرد و اعلان کرد همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق غیرقانونی است و ترکیه آن را غیرمشروع می‌داند و به‌هیچ‌وجه آن را به رسمیت نخواهد شناخت و در سطح سیاسی، تجاری، و امنیتی هر اقدامی که لازم باشد اتخاذ خواهد کرد (www.aftabnews.ir/fa/news/478007).

امریکا

از بین کشورهای فرامنطقه‌ای مهم‌ترین کشوری که در استقلال اقلیم می‌تواند تأثیرگذاری زیادی داشته باشد امریکاست که در فدرالی‌شدن اقلیم کردستان نقش زیادی داشت. حمایت امریکا از اقلیم کردی و همراهی کردها با امریکا هرچند تابع ملاحظات منافع و محدودیت‌های دوجانبه است، اقلیم کردستان عراق به دلایل بسیار مورد توجه امریکا و کشورهای غربی واقع شده است. مجموع این حمایت‌ها سبب بالارفتن وزن سیاسی کردها در عراق و منطقه گشته است. نقش کردها برای امریکا از جهات زیر مهم تلقی می‌شود (حاتمی و سانبار، ۱۳۹۵: ۲۷۸):

۱. تشکیل کردستان مستقل در راستای ارزش‌های تاریخی امریکاست (سیمون، ۲۰۱۷): ۲. سیستم حکومتی اقلیم کردستان جمهوری پارلمانی است و تشابه میان این نوع حکومت‌داری با سیستم‌های دموکراسی در غرب بالاست و اساساً هدف نظم نوین مورد نظر ایالات متحده اشاعه دموکراسی به جهان است؛ ۳. کردستان عراق پایگاه مناسبی برای حضور همه‌جانبه امریکا و متحدانش است. امریکا با حضور خود در اقلیم کردستان به نفوذ خود در منطقه ادامه می‌دهد و قدرت‌های رقیب منطقه‌ای از جمله جمهوری اسلامی ایران و ترکیه را رصد می‌کند؛ ۴. کردستان عراق برای امریکا و سایر کشورها منطقه‌ای بکر برای سرمایه‌گذاری است و از این طریق می‌توانند به سودهای کلان اقتصادی دست یابند؛ ۵. با استقلال کردستان عراق، موقعیت اسرائیل در منطقه بهبود پیدا می‌کند؛ ۶. امریکا از نقش فعال کردها در عراق و سوریه و تحولات منطقه آگاه است و از نظر امریکا و متحدان اروپایی‌اش نیروهای کرد قابل‌اتکاترین نیروی نظامی و فکری در جنگ علیه افراطی‌گری و خشونت‌های سازمان‌یافته گروه‌های تندرو اسلامی از جمله داعش هستند.

علاوه بر این، حفظ توازن قوا در عراق میان گروه‌های سه‌گانه (کرد، شیعه، و سنی)، نگرانی در خصوص قدرت‌گیری شیعیان در عراق، حضور و نفوذ برای مهار بازیگران رقیب و متعارض منطقه‌ای از دیگر منافع راهبردی اقلیم کردستان برای امریکاست (حاتمی و سانبار، ۱۳۹۵: ۲۷۹). این همراهی‌ها و حمایت بسیاری از کشورهای اروپایی از اقلیم کردستان و تحولات نوین آن سبب شده کردها در عراق به موقعیت ممتازی دست یابند.

با این حال، امریکا به دلایلی از اجازه به کردها برای حرکت به سمت استقلال خودداری می‌کند: ۱. ترکیه، ایران، و سوریه به دلیل جمعیت زیاد کردشان با دولت مستقل کرد در مرزهای کشورشان مخالف‌اند؛ ۲. حاکمیت خود کردها به وضعیتی در بقیه کشور منجر می‌شود که جمعیت شیعه اکثریت می‌یابد و عراق را به جمهوری اسلامی ایران دیگری که بازتاب ایران باشد تغییر می‌دهد؛ ۳. کنترل کردها بر حوزه‌های نفتی کرکوک و موصل سبب می‌شود مثلث سنی بدون هیچ منبع درآمدی به حال خود رها شود (یلدیز، ۱۳۹۱: ۲۷۱).

پس از اجرای همه‌پرسی در اقلیم کردستان، امریکا، ضمن حمایت از یک عراق دموکراتیک و فدرال، اعلام کرد از همه‌پرسی‌ای که به صورت یک‌جانبه و در مناطق خارج از منطقه کردستان عراق انجام شده عمیقاً ناامید شده و این اقدام باعث بی‌ثباتی و تشدید مشکلات مردم کردستان خواهد شد (www.asiran.com/fa/news/562230).

روسیه

با توجه به موضع مبهم و محافظه‌کارانه دولت روسیه در قبال همه‌پرسی اقلیم کردستان، متغیرهای متعددی اتخاذ این‌گونه سیاست را تشریح می‌کند؛ از جمله رابطه تاریخی کردها با روسیه، سرمایه‌گذاری شرکت گاز پروم در سه بلوک در

اقلیم کردستان، سرمایه‌گذاری شرکت روسنت، فروش تجهیزات نظامی به کردها، و علاوه بر آن ژئوپلیتیک منطقه اقلیم کردستان در مجاورت با ترکیه، ایران، و سوریه به همان نسبت که برای سایر قدرت‌های بین‌المللی جذاب است برای روسیه هم قابل توجه است. روسیه، به‌رغم افزایش مناسبات با ایران، ترمیم رابطه با ترکیه، و حضور نظامی در سوریه، همچنان به دنبال یافتن شرکای بیشتر در منطقه است تا فرصت‌های خود در خاورمیانه و در نتیجه وزن خود در معادلات راهبردی منطقه را افزایش دهد.

از زمان تصمیم‌گیری بارزانی مبنی بر استقلال از دولت مرکزی تا روز اجرای همه‌پرسی در اقلیم کردستان، دولت روسیه درباره همه‌پرسی جدایی اقلیم کردستان به‌طور رسمی اظهارنظر نکرده بود. هرچند وزیر خارجه روسیه در مصاحبه با تلویزیون روداو، با اشاره به رابطه تاریخی روسیه با کردها، تأکید کرده بود موضع روسیه همواره حمایت از کردها بوده است، در اولین اظهارنظر رسمی بعد از دو روز از همه‌پرسی در بیانیه‌ای اعلام شد روسیه همواره از حاکمیت، وحدت، و تمامیت ارضی عراق دفاع کرده است و ضرورت دارد از ایجاد بی‌ثباتی در منطقه بعد از همه‌پرسی در کردستان عراق اجتناب کرد (www.ghatreh.com.news/nn3947163).

رژیم صهیونیستی

اقلیم کردستان عراق برای استقلال به حمایت‌های خارجی نیاز دارد تا بتواند توجه سازمان‌ها و قدرت‌های بین‌المللی را به‌دست آورد و به سمت استقلال پیش رود. در حال حاضر، مؤثرترین و اصلی‌ترین حامی خارجی استقلال اقلیم را می‌توان رژیم صهیونیستی دانست. حمایت اسرائیل از اقدامات بارزانی در همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان با نفوذ و اثرگذاری یهودیان کردتبار ساکن اسرائیل اتفاق افتاده و آن‌ها هم‌اکنون حامی جدی این امر شده‌اند.

استقلال اقلیم کردستان می‌تواند منافع مشترکی برای رژیم صهیونیستی و اقلیم داشته باشد. کردها امیدوارند با نزدیکی به اسرائیل و جلب حمایت لابی یهود در امریکا نظر امریکا را در حمایت قطعی از استقلال طلبی کردها تغییر دهند. اهداف و منافع کردها از توسعه روابط با اسرائیل عبارت‌اند از:

- جلب دولت حامی در منطقه و مهار قدرت‌های مخالف و رقیب از طریق آن؛ مقابله با نفوذ ایران (گوزانسکی و

لیندنستراس، ۱۳۹۱: ۲۷-۴۰)؛

- اسرائیل از متحدان سنتی حزب‌های کرد غرب‌گراست. بنابراین، حمایتش از مواضع آن‌ها با توجه به توان اعمال

نفوذ لابی یهود در امریکا می‌تواند نگرش مقامات امریکایی را نیز تغییر دهد (حق‌پناه، ۱۳۸۷: ۱۹۶)؛

- اسرائیل برای جلب حمایت دولت‌های ضعیف‌تر کمک‌های اقتصادی مالی زیادی می‌کند (قهرمان‌پور، ۱۳۸۶: ۸۰).

- منافع راهبردی اسرائیل از تشکیل دولت کردی عبارت است از: ۱. حمایت از تشکیل کردستانی مستقل برای ارتقای

سطح امنیت ملی اسرائیل و ایجاد بحران‌های امنیتی برای ایران (امیر، ۱۳۹۶)؛ ۲. ناامن کردن عقبه کشورهای مخالف

اسرائیل؛ ۳. تجزیه عراق که موجب کاهش تهدید اسرائیل و به‌هم‌خوردن موازنه قدرت در منطقه به نفع اسرائیل است؛ ۴.

کنترل جریان‌های فکری و نظارت اطلاعاتی بر کشورهای منطقه از طریق حضور در کردستان عراق؛ ۵. با ارتباط و

حضور اسرائیل در کردستان، نفت موردنیاز آن تأمین می‌شود؛ ۶. انتقال آب شیرین کردستان از طریق اردن به اسرائیل

جزو اهداف راهبردی آن است. هرچند اسرائیل تنها بازیگری بود که از همه‌پرسی استقلال کردستان دفاع کرد، می‌کوشد

اهداف و سیاست خود را در حالت کنونی کردستان عراق، که به‌صورت خودمختار اداره می‌شود، پی‌گیری کند (اخوان

کاظمی و عزیزی، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

اتحادیه اروپا

نگاه اتحادیه اروپا به همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق متأثر از چند مسئله است: نخست اینکه برگزاری همه‌پرسی به‌طور جدی باعث به‌خطرافتادن تمامیت ارضی، ثبات، و امنیت عراق خواهد شد و احتمال بروز جنگی جدید در این کشور بین دولت مرکزی و اقلیم کردستان را به‌شدت افزایش خواهد داد. در حالی که اتحادیه اروپا در راستای منافع تجاری و اقتصادی خود خواهان تثبیت اوضاع در عراق است. ضمن اینکه استقلال کردستان عراق باعث افزایش درخواست‌های جدایی‌طلبانه کردها در کشورهای همسایه عراق، به‌ویژه ترکیه و سوریه، خواهد شد و این به مفهوم افزایش تنش و بی‌ثباتی در خاورمیانه و افزایش احتمال بروز موج جدیدی از آوارگان و پناهجویان خواهد شد که مقصد آن‌ها اروپا خواهد بود (www.parstoday.com/fa/98227).

سوریه

کردها در سوریه بزرگ‌ترین اقلیت این کشورند و سومین گروه بزرگ قومی را تشکیل می‌دهند. جمعیت کردهای سوریه ۹ درصد جمعیت ۱۹ میلیونی سوریه را تشکیل می‌دهد که در حدود ۱/۷ میلیون نفر است. مساحت کردستان سوریه ۱۸۳۰۰ کیلومتر مربع است که حدود ۱۰ درصد مساحت کل آن کشور را تشکیل می‌دهد. سوریه با عراق ۶۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد که بیش از ۱۰۰ کیلومتر آن با اقلیم کردستان است. دولت عربی سوریه، که منافع وی با امریکا و رژیم صهیونیستی همخوانی ندارد، به‌هیچ‌وجه تمایل به تشکیل دولتی که زیر سلطه دشمنان وی از جمله رژیم صهیونیستی و امریکا باشد ندارد و به‌خوبی می‌داند که تشکیل کردستان مستقل در عراق، افزون بر افزایش توقعات کردها در سوریه و الگوگرفتن از کردهای عراق، پایگاهی برای رژیم صهیونیستی در این منطقه خواهد بود. به همین دلیل، درصدد تأثیرگذاری بر تحولات اقلیم در راستای جلوگیری از استقلال آن خواهد شد (نصری و رضایی، ۱۳۹۲: ۴۳).

با اینکه سوریه مانند ترکیه مخالفت خود را با این اقدام کردهای سوریه اعلام کرده است، مشغول بودن دمشق به مبارزه با تروریست‌های داعش و دیگر گروه‌های تروریست عملاً اجازه باز شدن جبهه‌ای دیگر توسط دمشق برای مقابله با تحرک جدید کردها را، که به‌مثابه نیروی پیاده‌نظام امریکا در نبرد با داعش در خاک سوریه‌اند، نمی‌دهد.

حتی در آینده نیز چنانچه دمشق بخواهد مانع خودمختاری کردهای خود شود، با کار دشواری مواجه است و عملاً اقدام نظامی علیه آنان به معنای بازگشت مجدد ناآرامی به سوریه خواهد بود. بنابراین، به‌نظر می‌رسد دمشق ناخواسته با تشکیل یک اقلیم خودمختار کردی مانند آنچه در عراق وجود دارد مواجه است.

اظهارات ولید المعلم، وزیر خارجه سوریه، که مذاکره درباره تشکیل یک منطقه خودمختار کردی در چارچوب دولت مرکزی در سوریه را امری ممکن دانست، نشان می‌دهد سوریه، علاوه بر اینکه به دنبال باز کردن جبهه تنش دیگری در داخل نیست، می‌داند که فعلاً نمی‌تواند در برابر این اقدام کردها کاری انجام دهد (آفتاب یزد، ۱۳۹۶/۷/۵).

نتیجه‌گیری

براساس تئوری مایکل برچر، یک بحران ژئوپلیتیکی بر مبنای چهار مرحله شکل می‌گیرد: پیدایش؛ گسترش؛ کاهش؛ و تأثیرات بحران. جغرافیا، وضعیت منازعه، عمر بازیگر بحران، نظام سیاسی، سطح نظام بین‌الملل، قطب‌بندی، و مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جزو عوامل زمینه‌ساز و تشدیدکننده بحران است. با اجرای همه‌پرسی در اقلیم کردستان در تاریخ سوم مهرماه ۱۳۹۶ بحران ژئوپلیتیکی جدیدی در منطقه ایجاد شد. امنیت و ثبات عراق بار دیگر تهدید و باعث شد سیاست خارجی و امنیتی کشورهای منطقه به‌شدت تحت تأثیر قرار گیرد. براساس مدل مایکل برچر، مشخص شد استقلال‌طلبی، کشمکش طولانی‌مدت سرزمینی، و قلمروخواهی میان کردها و دولت مرکزی عراق بر سر

منطقه راهبردی کرکوک و عدم اجرای ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق زمینه را برای پیدایش بحران آماده کرد. حمله داعش به عراق و ناتوانی ارتش در مقابله با داعش و پس از آن تصرف کرکوک و بخش‌هایی از نواحی استان دیالی و نینوا توسط پیش‌مرگه‌های کرد، اجرای همه‌پرسی در اقلیم کردستان و متعاقب آن حمله نظامی ارتش عراق به کرکوک و بازپس‌گیری بسیاری از مناطق بر گسترش این بحران افزود. نگرانی رهبران اقلیم کردستان از وخامت اوضاع و توافق آن‌ها با دولت مرکزی مبنی بر آغاز گفت‌وگوها باعث کاهش این بحران شد و تأثیرات قابل توجهی در ابعاد سیاسی، امنیتی، و اقتصادی به‌جای گذاشت.

در بین عوامل هفت‌گانه زمینه‌ساز و تشدیدکننده بحران در مدل مایکل برچر، جغرافیا و برجستگی جغرافیایی-راهبردی اقلیم کردستان و به‌ویژه منطقه کرکوک عامل زمینه‌ساز و تشدیدکننده بحران ژئوپلیتیکی اقلیم کردستان عراق است. دو عامل مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و سطح نظام بین‌الملل در کاهش کوتاه‌مدت بحران کردستان نقش کلیدی را ایفا کرده است. تقارن منافع ایران و ترکیه در سطح بالا و مخالفت بسیار شدید و همراه با تهدید این دو کشور با همه‌پرسی عاملی است که این کشورها نهایت تلاش خود را برای جلوگیری از تجزیه عراق به‌عمل آورده‌اند و به‌عنوان رقبای استراتژیک، اقلیم کردستان را جزو قلمرو ژئوپلیتیک می‌دانند و با توجه به نفوذ ساختاری، تاریخی، و اقتصادی در عراق، مسئله کردها را به گونه‌ای مدیریت کرده‌اند که منافع وسیع‌تر ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، و اقتصادی‌شان را تهدید نکند. عدم حمایت ایالات متحده و اتحادیه اروپا از کردها باعث شد بحران اقلیم کردستان فعلاً از سطح منطقه‌ای به سطح نظام بین‌الملل تسری نیابد. لیکن، عامل زمینه‌ساز بحران‌های آینده و یکی از مصادیق تعارض‌های طولانی‌مدت است که مرحله پایانی آن مشخص نیست.

منابع

۱. آیا مسئله کردها بحران آینده خاورمیانه است؟ تاریخ ۱۳۹۶/۷/۲۸. قابل دسترسی در: <http://www.scfr.ir/fa/news>
۲. ابعاد و پیامدهای همه‌پرسی استقلال کردستان، ۱۳۹۶/۷/۷، قابل دسترسی در: <http://kurdparez.com/1396/07/07>
۳. اخوان کاظمی، مسعود و عزیز، پروانه، ۱۳۹۰، کردستان عراق، هارتلند اسرائیل، فصل‌نامه راهبرد، دوره ۲۰، ش ۶۰، صص ۱۴۱-۱۶۸.
۴. استنسفیلد، گرت، ۱۳۸۲، *کردستان عراق: توسعه سیاسی و ضرورت دموکراسی*، لندن.
۵. اطلاعات راهبردی، ۱۳۸۶، جایگاه کرکوک در آینده عراق، ش ۵۱، صص ۳۴-۴۰.
۶. اقلیم کردستان عراق، سوم مهر، همه‌پرسی استقلال برگزار می‌کند، ۲۰۱۷/۶/۷، قابل دسترسی در: <http://www.euronews.com>
۷. امیر، دانیل، ۱۳۹۶، چرا اسرائیل قادر به حمایت از یک کردستان مستقل نیست، *هآرتص*، ۲۱ شهریور ۱۳۹۶.
۸. بارزانی، ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق اجرا شد، ۱۳۹۳/۴/۶. قابل دسترسی در: <http://www.alalam.ir/news/1606306>
۹. بدیعی ازندهای، مرجان؛ محمدی، احد و زمانی، عظیم، ۱۳۹۶، کشمکش‌های سرزمینی در شمال عراق: سرزمین، قومیت، و سیاست، *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، دوره ۴۹، ش ۳، صص ۶۳۷-۶۵۶.
۱۰. برچر، مایکل و جاناتان، ویکنفلد، ۱۳۸۲، *بحران، تعارض، و بی‌ثباتی*، ترجمه علی صبحدل، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. برچر، مایکل، ۱۳۸۲، *بحران در سیاست جهان، ظهور و سقوط بحران‌ها*، ترجمه میر فردین قریشی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۲. برچر، مایکل، ۱۳۷۲، *بحران در سیاست جهان: تئوری و واقعیت*، انگلستان: پرگامون.
۱۳. بوزان، باری، ۱۳۸۶، *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مطالعات راهبردی.
۱۴. حاتمی، محمدرضا و سانیار، میکائیل، ۱۳۹۵، *امکان‌سنجی استقلال کردستان عراق و پیامدهای آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، مرکز تهران غرب.
۱۵. حافظنیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۸۳، صص ۵-۳۶.
۱۶. حافظنیا، محمدرضا، ۱۳۹۰، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: پاپلی.
۱۷. حق‌پناه، جعفر، ۱۳۸۷، *کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۱۸. حیدری، غلام‌حسین، ۱۳۷۲، *جغرافیای بحران‌های بین‌المللی*، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ش ۷۷-۷۸، صص ۴۲-۴۵.
۱۹. خواجوی، علی، ۱۳۹۰، بررسی وضعیت صنعت نفت و گاز منطقه کردستان عراق، معاونت برنامه‌ریزی وزارت نفت، ماهنامه اکتشاف و تولید، س ۹، ش ۸۲، صص ۱۵-۲۲.
۲۰. داج، توبی، ۱۳۸۴، *آینده عراق: پس از پایان دوره تغییر رژیم*، نیویورک.
۲۱. دریاستر، اریک، ۱۳۹۳، ایران و جنگ نیابتی در کردستان، قابل دسترسی در: <http://journal-neo.org/2014/10/16/iran-and-the-proxy-war-in-kurdistan/>
۲۲. سیمنت، جیمز، ۱۳۷۵، *کردها: دولت و اقلیت در ترکیه، عراق و ایران*، امریکا: انتشارات نیویورک.
۲۳. شریف، عصمت؛ نازدار، مصطفی و کندال، وانلی، ۱۳۷۹، *کردها*، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: روزبهان.
۲۴. سیمون، دیوید، ۱۳۹۶، چرا امریکا بایستی از استقلال کردستان حمایت کند، *فوربس*، ۵ مهر ۱۳۹۶.
۲۵. شهیدی، فرزاد، ۱۳۹۶، واکنش‌های احتمالی ایران به استقلال کردستان عراق، شورای راهبردی روابط خارجی (۱۳۹۶/۶/۲۲)، قابل دسترسی در: www.scfr.ir/fa/

۲۶. عراق و کردها، اول کرکوک، دوم مذاکره، ۱۳۹۶/۷/۲۵، قابل دسترسی در: <http://www.tabyincenter.ir/12142>
۲۷. عمادی، سید رضی، ۱۳۹۶، علل، سناریوها، و پیامدهای همه‌پرسی استقلال کردستان عراق، شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی (۱۳۹۶/۷/۱)، قابل دسترسی در: <http://www.npps.ir/articlePreview.aspx/131948>
۲۸. غلامی، افشین، ۱۳۹۶، رفراندوم استقلال کردستان و چالش حقوق بین‌الملل، روزنامه شرق، ۱۳۹۶/۶/۲۶.
۲۹. قاسمی، محمدعلی، ۱۳۸۹، بازیگران مؤثر بر آینده عراق: منافع و سناریوها، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، س ۱۱، ش ۱، صص ۳۷-۵۸.
۳۰. قهرمان‌پور، رحمان، ۱۳۸۶، رویکرد اسرائیل به منطقه کردنشین عراق، فصل‌نامه مطالعات منطقه‌ای اسرائیل شناسی - امریکاشناسی، س ۹، ش ۱، صص ۷۱-۸۶.
۳۱. قهرمان‌پور، رحمان، ۱۳۹۶، پیامدهای امنیتی همه‌پرسی کردستان عراق، شورای راهبردی روابط خارجی، ۱۳۹۶/۶/۲۷، قابل دسترسی در: www.scfr.ir
۳۲. کردها می‌توانند خودگردانی داشته باشند، روزنامه آفتاب یزد، ۱۳۹۶/۶/۵.
۳۳. کولایی، الهه؛ حریری، رحمان و اسدی‌کیا، بهناز، ۱۳۹۵، مسئله کردی در روابط ایران و ترکیه، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، س ۱۲، ش ۳، صص ۲۷-۱.
۳۴. گوزانسکی، یوئل و لیندنسترنس، گالیا، ۱۳۹۱، احیای مفهوم حاشیه در سیاست خارجی اسرائیل، ارزیابی استراتژیک، دوره ۱۵، ش ۲، صص ۲۷-۴۰.
۳۵. مبارک‌شاهی، محمود، ۱۳۹۴، نگاهی به جغرافیای سیاسی کردستان عراق با تأکید بر مسئله کرکوک، ته‌وین.
۳۶. محمدی، حمیدرضا و خالدی، حسین، ۱۳۹۰، ژئوپلیتیک کردستان عراق، تهران: انتخاب.
۳۷. محمدی، حمیدرضا، ۱۳۸۹، کردستان و استراتژی ملی، تهران: انتخاب.
۳۸. مخالفت اتحادیه اروپا با برگزاری همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق، ۱۳۹۶/۶/۳۱، قابل دسترسی در: <http://www.parstoday.com/fa/98227>
۳۹. مصطفی، محمد صالح، ۱۳۹۵، نقش ایران در اقلیم کردستان، مرکز مطالعات الجزایر.
۴۰. موسوی خلخالی، علی، ۱۳۹۶، هدف از همه‌پرسی کردستان، استقلال یا امتیاز؟ دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۶/۶/۲۸، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/>
۴۱. نخستین واکنش رسمی روسیه به همه‌پرسی جدایی در اقلیم کردستان، ۱۳۹۶/۷/۵، قابل دسترسی در: <http://www.ghatreh.com.news/nn39471630>
۴۲. نصری، قدیر و رضایی، داود، ۱۳۹۲، امکان‌سنجی استقلال کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه امنیت پژوهشی، س ۱۲، ش ۴۴، صص ۲۹-۵۶.
۴۳. واکنش شدید اردوغان به همه‌پرسی کردستان عراق، ۱۳۹۶/۷/۴، قابل دسترسی در: <http://www.hamshahronline.ir/details/383585>
۴۴. واکنش آمریکا به همه‌پرسی اقلیم کردستان، ۱۳۹۶/۷/۴، قابل دسترسی در: <http://www.asriran.com/fa/news/562230>
۴۵. واکنش‌ها به همه‌پرسی اقلیم کردستان، ۱۳۹۶/۷/۳، قابل دسترسی در: <http://www.aftabnews.ir/fa/news/478007/> <http://www.scfr.ir>
۴۶. هاگت، پیتر، ۱۳۷۵، جغرافیا ترکیبی نو، ترجمه شاپور گودرزی‌نژاد، تهران: سمت.
۴۷. هالستی، کالوی جاکو، ۱۳۸۳، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه.

۴۸. همه‌پرسی تمام شد و به تاریخ پیوست، ۱۳۹۶/۷/۲۶، قابل دسترسی در: <http://www.fararu.com/fa/news/333074>

۴۹. یل‌دیز، کریم، ۱۳۹۱، *کردها در عراق: گذشته، حال، آینده*، ترجمهٔ سیروس فیضی، تهران: توکلی.

50. Aftab News: September 25, 2017, Reactions to the referendum on the Kurdistan region Available at: <http://www.aftabnews.ir/fa/news/478007>, <http://www.scfr.ir>
51. Aftab Yazd Newspaper: August 27, 2017, *Kurds can have autonomy*.
52. Akhavan, M. and Azizi, P., 2011, Iraq's Kurdistan, Israel's heartland, *Rahbord Journal*, Vol. 20, No. 60, PP. 141-168.
53. Al-Alam News Network: Barezani, June 27, 2014, Article 140 of the Iraqi constitution was implemented. Available at: <http://www.alalam.ir/news/1606306>.
54. Amir, D., 2017, Why Israel Can't Support an Independent Kurdish State, *Haaretz*, Sep 12.
55. AsrIran News: September 26, 2017, The U.S.A reaction to referendum in the Kurdistan Region. Available at: <http://www.asriran.com/fa/news/562230>.
56. Badiie Azandahie, M.; Mohamadi, A. and Zamani, A., 2017, Territorial Conflicts in Northern Iraq: Territory, Ethnicity And Politics, Article 11, Vol. 49, No. 3, PP. 637-656.
57. Brecher, M. and Wilkenfeld, J., 1989, Crisis, Conflict and Instability, Translated by Ali Sobhdel, 2003, Tehran: Strategic Studies Research Center.
58. Brecher, M., 1993, *Crises in World Politics: Theory and Reality*, Pergamon Press, England.
59. Brecher, M., 2003, *Crises in World Politics: Theory and Reality*, Translated by Mirfardin Qoreishi.
60. Buzan, B., 1998, Security: A New Framework for Analysis, Translated by Alireza Tayeb, 2007, Tehran.
61. Ciment, J., 1996, *The Kurds: State and minority in turkey, Iraq and Iran*, USA–New York Publisher: Facts on File.
62. Draitser, E., 2014, Iran and the Proxy War in Kurdistan, Online Available at: <http://journal-neo.org/2014/10/16/iran-and-the-proxy-war-in-kurdistan/>, [Retrieved 24 January 2016].
63. Emadi, S. R., 2017, Network for Public Policy Studies Causes, Scenarios and Consequences of Iraqi Kurdistan Independence Referendum. Available at: <http://www.npps.ir/articlePreview.aspx/131948>.
64. Euronews, 2017, Kurdistan Region of Iraq is holding a referendum on Independence on September 25, Available at: <http://www.euronews.com>.
65. Fararu News: October 18, 2017, The referendum ended and it became history. Available at: <http://www.fararu.com/fa/news/333074>.
66. Gasemi, M. A., 2010, Strategic Studies Quarterly Efficient Actors in Future Iraq: Interests and Scenarios. Vol. 13, No. 1, PP. 37-58.
67. Ghahramanpour, R., 2017, Strategic Council for Foreign Relations: Security implications of Iraq's Kurdistan referendum. Available at: www.scfr.ir
68. Ghahremanpour, R., 2007, Regional Studies Quarterly, Israel's approach to the Kurdish region of Iraq, Vol. 9, No. 1, PP. 71-86.
69. Ghatreh News: September 27, 2017, Russia's first official reaction to the separatist referendum in the Kurdistan Region of Iraq. Available at: <http://www.ghatreh.com/news/nn39471630>.
70. Guzansky, Y. and Lindenstrunss, G., 2012, Revival of the periphery concept in Israel's foreign policy, Strategic Assessment, Vol. 15, No. 2, PP. 27-48.
71. Hafeznia, M. R., 2006, The influence of the northern Iraq's Kurdish self-government on neighboring countries, *Geographical Researches Quarterly Journal*, No. 83. PP. 5-36.

72. Hafeznia, M. R., 2011, *Principles and concepts of geopolitics*.
73. Haggett, P., 1972, *Geography: A Modern Synthesis*, translated by Shapur Gudarzinejad, 1996, Tehran: SAMT.
74. Hagh Panah, J., 2008, *Kurds and foreign policy of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: International Studies and Research Institute.
75. Hamshahri Online (Iranian daily Hamshahri): September 26, 2017, The Recep Tayyip Erdoğan's severe reaction to the Iraqi Kurdish referendum. Available at: <http://www.hamshahrionline.ir/details/383585>.
76. Hatami, M. R. and Sanjar, M., 2016, *The feasibility study of Iraqi Kurdistan's independence and its consequences on the security of the Islamic Republic of Iran*, Master's Degree in Political Science, Payme Noor University, West Tehran Center.
77. Heidari, Gh. H., 1993, *Political & Economic Ettelaat Quarterly Journal: The geography of international crises*, No. 77-78, PP. 42-45.
78. Holsti, Jaakko Kalevi, 1996, *International Politics, A Framework for Analysis*. Translated by Bahram, Mostaghimi & Tarem Sari, Masoud 2004, Tehran: Institute for Political and International Studies.
79. Iran's Strategic Council for Foreign Relations: October 20, 2017, The Kurdish issue; is it the future crisis of Middle East? Available at: <http://www.scfr.ir/fa/news>.
80. Khajavi, A., 2011, *Scientific- Propagative Journal of Oil & Gas Exploration and Production The evaluation of Oil and Gas Industry in the Iraqi Kurdistan Region*, Vol. 9, No. 82. pp 15-22.
81. Koolae, E.; Hariri, R. and Asadikia, B., 2016, *International Quarterly of Geopolitics, 2016, Kurdish Question and Its Impact on Iran-Turkey Relations*, Vol. 12, No. 3, PP. 1-27.
82. Kurdish News Agency: September 29, 2017, Dimensions and Consequences of Kurdistan Independence Referendum. Available at: <http://kurdparez.com/1396/07/07>.
83. Mobarakshahi, M., 2015, *A look at the political geography of Iraqi Kurdistan with an emphasis on the issue of Kirkuk*.
84. Mohammadi, H. R. and Khalidi, H., 2011, *Geopolitics of Iraqi Kurdistan*, Tehran: Entekhab.
85. Mohammadi, H. R., 2010, *Kurdistan and National Strategy*, Tehran: Entekhab.
86. Moosavi Khalkhali, A., 2017, *Iran Diplomacy The purpose of Kurdistan referendum, independence or earn points*, Available at: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/>
87. Nasri, Q. and Rezaei, D., 2013, *Security Studies Quarterly: The feasibility study of Iraqi Kurdistan's independence and its consequences on the security of the Islamic Republic of Iran*, Vol. 12, No. 44, PP. 29-56.
88. ParsToday News: September 22, 2017, The European Union opposes the holding of a referendum on the independence of the Kurdistan Region of Iraq. Available at: <http://www.parstoday.com/fa/98227>.
89. Qolami, A., 2017, *Shargh Newspaper, September 17 Kurdistan Independence Referendum and International Law Challenge*.
90. Salih, M. M., 2016, *Iran's Role in the Kurdistan Region*, Aljazeera Center for Studies.
91. Shahidi, F., 2017, *Iran's Possible reactions to the independence of Iraqi Kurdistan*. Strategic Council for Foreign Relations, Available at: <http://scfr.ir/fa>.
92. Sharif, E. and Nazdar, M. and Kandal, V., 2000, *The Kurds*, Translated by Ebrahim Yonesi, Tehran: Roozbehan.
93. Simon, D, 2017, *Why The U.S. Should Support Kurdish Independence*, *Forbes*, Sep 27.

94. Stansfield, G., 2003, *Iraqi Kurdistan: Political development and emergency democracy*, London: Routledge Curzen.
95. Strategic Studies Quarterly, 2007, The status of Kirkuk in the future of Iraq, No. 51, PP. 34-40.
96. Tabyin Centre for Strategic Studies, 2017, Iraq and Kurds; first Kirkuk, second negotiation. Available at: <http://www.tabyincenter.ir/12142>.
97. Toby, D., 2005, *Iraq's future: the after late of regime change*, New York: Routledge.
98. Yildiz, K., 2004, *The kurds in Iraq: the past, present and future*, Translated by Cyrus Faizee, Tehran: Tavakoli Publications.

